

شرمسازسازی بازپذیرکننده و بزهکاری: آزمون تجربی نظریه تلفیقی بریت ویت

اکبر علیوردی‌نیا*، محمدرضا حسنی**

(تاریخ دریافت ۹۴/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش ۹۵/۰۳/۰۵)

چکیده: این تحقیق در پی تبیین بزهکاری بر پایه نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده بریت ویت می‌باشد. از نظر بریت ویت، موضوع کلیدی در باب جرم و کنترل آن، نوع شرمسازسازی است: شرمسازسازی بازپذیرکننده یا شرمسازسازی طردکننده. این پژوهش به صورت پیمایشی و با استفاده از توزیع پرسش‌نامه در میان دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم دبیرستان شهر تبریز، در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ انجام یافته است. نمونه‌گیری با روش طبقه‌بندی شده انجام گرفته و حجم نمونه ۸۳۵ نفر بوده است. برای سنجش بزهکاری، شش بعد در نظر گرفته شد. اعتبار سنج‌های تحقیق با روش اعتبار محتوا و اعتبار سازه و روایی تحقیق نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شده است. نتایج حاصل از تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که متغیر شرمسازسازی فاقد اثر مستقیم بر بزهکاری، اما واجد اثر غیرمستقیم بر بزهکاری می‌باشد. متغیر بازپذیری اثر معناداری بر بزهکاری ندارد. متغیر انگ‌زنی دارای اثر غیرمستقیم و فاقد اثر مستقیم بر بزهکاری می‌باشد. متغیر به هم پیوستگی واجد اثر مستقیم و فاقد اثر غیرمستقیم بر بزهکاری می‌باشد. همالان بزهکار نیز هم دارای اثر مستقیم و هم دارای اثر غیرمستقیم بر بزهکاری بوده است.

مفاهیم کلیدی: اجتماع گرابی، انگ‌زنی، بازپذیری، بزهکاری، به هم پیوستگی، شرمسازسازی.

*. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) aliverdina@umz.ac.ir

**دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان mohammadreza.hasani63@yahoo.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۳، پائیز ۱۳۹۴، ص ۳-۳۷

مقدمه و طرح مسأله

نوجوانی برهه‌ای از زندگی است که نوجوان معرض خطر ورود به رفتارهای پرخطر و مسأله‌آمیز از جمله بزهکاری^۱، مصرف مواد و رفتارهای جنسی واقع می‌شود. (اریکسون^۲، ۲۰۰۰:۳۹۶). در بررسی‌های به عمل آمده در بیشتر کشورهای جهان، آمار جرایم و بزهکاری متوجه جوانان، همچنان رو به افزایش بوده است. در آمریکا، سالانه بیش از دو میلیون نفر زیر ۱۷ سال بازداشت می‌شود (گرین^۳، ۲۰۰۸:۳۲۳). مطابق آمار دیگری در این کشور ۲۰۰۰۰۰ کودک سالانه معرض نوعی سوء رفتار و سوءاستفاده هستند، ۳۰۰۰۰۰۰ دانش‌آموز و معلم سالیانه قربانی جرم قرار می‌گیرند و سالانه ۵۰۰۰۰۰ مورد سرقت، زورگویی، حمله و تجاوز در مدارس به وقوع می‌پیوندد (گروس^۴ و دیگران، ۲۰۰۰:۵). بی‌شک نوجوانان و جوانان، بخش مهم و پایه‌ای سرمایه‌انسانی هر جامعه به شمار می‌آیند که در عین حال، بیش از سایر گروه‌های جامعه معرض بزهکاری و بزه‌دیدگی قرار دارند. در آخرین سرشماری ملی در ایران که در سال ۱۳۹۰ انجام گرفت جمعیت کشور بالغ بر ۷۵،۱۴۹،۶۶۹ تن بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲). بر اساس برآوردهای مرکز آمار ایران هم اکنون نزدیک ۲۴۱۶۸۸۲۱ نفر از جمعیت ایران یعنی ۳۲ درصد آن، از نظر سنی زیر ۱۸ سال هستند. آمار مزبور از یک سو نشانگر ظرفیت‌های بالقوه آموزشی و سرمایه‌انسانی در جامعه ایرانی است، و از سوی دیگر، در صورت عدم توجه کافی و برنامه‌ریزی دقیق، می‌تواند به عنوان یک آسیب و یا تهدید قلمداد شود.

در ایران نیز با توجه به آمارهای منتشره می‌توان نتیجه گرفت که میزان وقوع جرایم بر حسب سن، جوان‌تر شده و بزهکاری و جرم از جوانان به نوجوانان به شدت در حال گسترش است (رجبی، ۱۳۸۸:۱۳۱). آمارها در ایران نشان می‌دهد که سالانه ۴۰۰ هزار نوجوان و جوان بین ۱۵ تا ۳۰ سال وارد زندان‌های کشور می‌شوند که حدود ۴۰ درصد آن‌ها زیر سن قانونی هستند (عبداللهی، ۱۳۸۴:۱). اعتیاد و مصرف مواد از جمله آسیب‌هایی است که به مدارس نفوذ کرده و وضعیت بهداشت و سلامت دانش‌آموزان را روز به روز با شدت بیشتری مورد تهدید و حمله قرار می‌دهد (خبرگزاری تحلیلی ایران). نتایج و یافته‌های حاصل از پیمایش‌ها و تحقیقات تجربی به قوت بر مدعای فوق مهر تایید می‌زنند (پوراصل^۵ و دیگران، ۲۰۰۷؛ کلیشادی^۱ و دیگران، ۲۰۰۶؛ آیت‌اللهی^۲ و دیگران، ۲۰۰۵؛ امیری^۳ و دیگران، ۲۰۱۱).

1. Delinquency
2. Erickson
3. Green
4. Gross
5. Poorasl

یافته‌های تحقیقات پیمایشی، نشانگر شدت زیاد آسیب‌ها و تهدیداتی است که امروزه نسل جوان و نوجوان را شدیداً تهدید می‌کند. راهکارها و برنامه‌های ارائه شده در سطوح مختلف ملی و فراملی نیز آن‌گونه که باید نتوانسته‌اند سودمند و راهگشا باشند. شیوع رفتارهای پرخطر در سنین پایین، پیدایش آسیب‌های نوپدید، عدم مسئولیت‌پذیری، ضعف کنترل‌های خانوادگی و اجتماعی، تربیت ناقص و ناکارا و نیز سستی پایه‌های اخلاقی کودکان و نوجوانان از جمله مواردی است که وضعیت عصر حاضر را با گذشته متمایز ساخته است. با توجه به ظهور و بروز شرایط نوین و تحول و دگرگونی بنیادین در نهادهای مرسوم اجتماعی، روشن است که راهکارها و اقدامات پیشین نمی‌توانند پاسخ‌گوی مسائل نو باشند و به طور کامل موثر واقع شوند. در چنین شرایطی که از سو با آسیب‌ها و تهدیدات نو مواجهیم و از سوی دیگر اقدامات و راهکارهای پیشین چندان قرین توفیق نبوده‌اند، رویکردها و نظریات جدیدتری پا به عرصه ظهور نهاده‌اند. نظریه شرمسازای بازپذیرکننده^۴ بریت ویت^۵ (۱۹۸۹) از جمله این نظریه‌ها به شمار می‌رود که عدسی‌های جدیدی پیش‌روی جامعه قرار می‌دهد و پیشنهادات و راهکارهای متفاوتی را در حوزه‌های مختلف نهادی از جمله خانواده، مدرسه، محله، پلیس، دادگاه و غیره عرضه می‌دارد.

نظریه شرمساری بازپذیرکننده، با بافت اجتماعی و بستر فرهنگی جامعه ایرانی تناسب و تجانس بیشتری دارد. در نتیجه شرح و بسط نظریه فوق در جامعه ایرانی به عنوان یک جامعه آسیایی می‌تواند بسیار مفید و راهگشا باشد (بریت ویت به نقل از های، ۱۹۹۶: ۱۶۲). به نظر هونگ لیو^۶ (۱۹۹۸) سه ویژگی عمده و کلیدی در نظریه شرمساری بازپذیرکننده وجود دارد که آن را از نظریه‌های جرم‌شناختی غربی متمایز می‌سازد: اولاً نظریه شرمساری بازپذیرکننده، به کنترل اجتماعی، صبه اخلاقی می‌بخشد. دوم این که، نظریه شرمساری بازپذیرکننده مفهومی فعال از مجرم را می‌پذیرد. سوم این که نظریه مزبور، به صورت‌بندی فرایندی از کنترل اجتماعی می‌پردازد که متکی بر مکانیزم‌های شرمساری و بازپذیری است و مشروط به اجتماع‌گرایی^۷ و به‌هم‌پیوستگی^۸ است.

1. Kelishadi
2. Ayatollahi
3. Amiri
4. Reintegrative Shaming Theory
5. Braithwaite
6. Hong Lu
7. Communitarianism
8. Interdependency

تحقیق حاضر در پی تحلیل و تبیین آثار شرمسازسازی بازپذیرکننده بر بزهکاری دانش‌آموزان در بستر خانواده است. خانواده در نظریه جرم‌شناسی، نقش اساسی در ایجاد هم‌نواپی در بین دختران و پسران بویژه در سنین آغازین آن‌ها بازی می‌کند. (لیبر،^۱ ۲۰۰۹: ۷۹؛ کوتاروبلس،^۲ ۲۰۰۶: ۳۷۵؛ لی،^۳ ۲۰۰۵: ۱۹۳). مثلاً طبق ادعای هیرشی و گاتفردسون، والدینی که بر رفتار فرزندان خود نظارت داشته، انتظارات روشنی در باب مذموم بودن بزهکاری به عمل آورده و به تمکین پاداش می‌دهند (و نافرمانی را مجازات می‌کنند)، احتمال تخلف کودکان را کاهش می‌دهند (از طریق تقویت خودکنترلی در کودکان) (فاگان،^۴ ۲۰۱۱: ۱۵۱).

مروری بر تحقیقات پیشین

آزمون‌های تجربی نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده، اندک و انگشت شمار است (های،^۵ ۲۰۰۱: ۱۳۵). موقعیت تجربی نظریه شرمسازسازی، به رغم جذبه منطقی و فواید تحلیلی و بویژه ارتباط آن با عدالت ترمیمی^۶ مبهم و مسأله‌آمیز است. زیرا داده‌های اندکی در خصوص فرضیه‌های آن گزارش شده است (تایتل،^۷ ۲۰۰۳: ۵۹۵؛ بوچکوار،^۸ ۲۰۰۵: ۴۰۴). در ذیل به شرح این تحقیقات پرداخته می‌شود.

در اولین تحقیق تجربی از نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده، ماکای و بریت ویت^۹ (۱۹۹۴) به موضوع رابطه بین میزان تبعیت از معیارهای قانونی در خانه‌های پرستاری^{۱۰} با سطوح "توبیخ"^{۱۱} (یعنی شرمسازسازی) متناظر با سطوح بازپذیری پرداخته‌اند. این نویسندگان حمایت محکمی از سازه بازپذیری نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده به دست آوردند. خانه‌هایی که تحت بازرسی افرادی قرار داشته و سطوح بالاتری از توبیخ و بازپذیری را بروز می‌دادند تغییرات زیادی را در پیروی از معیارهای قانونی گزارش می‌دادند. تحقیقی توسط کاترین بنت^{۱۲} (۱۹۹۶) در نیویورک به انجام رسیده و نشان داده که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده بزهکاری جدی، دوستان بزهکار و بزهکاری پیشین و در

1. Leiber
2. Cota-Robles
3. Le
4. Fagan
5. Hay
6. Restorative Justice
7. Tittle
8. Botchkovar
9. Makkai and Braithwaite
10. Nursing Homes
11. Disapproval
12. Bennett

مرحله سوم بازپذیری، عامل تعیین کننده بزهکاری بوده است. های (۲۰۰۱) مشاهده کرد که به هم پیوستگی با شرمسازسازی و بازپذیری و این دو نیز با بزهکاری تجاوزکارانه همبستگی دارد. تایتل و دیگران (۲۰۰۳) ثابت کرده‌اند که گزارش پاسخ‌گویان در مورد شرمسازسازی انگ زنده و بدگویی^۱ در مورد آن، با نرخ بالای برخی بدرفتاری‌ها ارتباط دارد. در پژوهش زنگ و زنگ (۲۰۰۴) بخشش و گذشت دوستان به جای تاثیر کاهنده بر میزان بزهکاری، اثر فزاینده بر آن داشته است. در ضمن جمله تعاملی^۲ که نشانگر شرمسازسازی بازپذیرکننده است، واجد هیچ نوع اثری نبود. بوچکوار و تایتل (۲۰۰۵) با استفاده از داده‌های پیمایشی در روسیه، به بررسی و سنجش شرم انگ‌زننده و شرم بازپذیرکننده پرداخته‌اند. در این جا نیز مجدداً حمایت ضعیفی از نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده به دست آمد. هم شرمسازسازی جداکننده و هم شرمسازسازی بازپذیرکننده با کزرفتاری آتی رابطه مثبت و مستقیم داشت.

مورفی و هاریس^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی که به بررسی کارآمدی و اثربخشی نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده در حیطه جرایم یقه سفید پرداخته‌اند، حمایت محکم و قاطعی از نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده به عمل آورده‌اند. آن‌ها ثابت کردند که در دو سال گذشته، افرادی که احساس می کردند تجربه عملیات مالیاتی بازپذیرکننده است، فرار مالیاتی کمتری را گزارش دادند. تحقیق مشابهی توسط لوسونز^۴ و تایسون^۵ (۲۰۰۷) در استرالیا در میان نوجوانان انجام یافته است. نتایج و یافته‌های این مطالعه از گزاره‌ها و مدعیات نظریه شرمسازسازی حمایت کرده است. تایلر^۶ و همکاران وی (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که احساس شرمسازسازی بازپذیرکننده و عدالت رویه‌ای با احتمال بیشتری از سوی شرکت‌کننده‌های نشست‌های ترمیمی گزارش می‌شود.

بوچکوار و تایتل (۲۰۰۸) به بررسی اثرات نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده در نمونه‌ای از جامعه روسیه پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که شرمسازسازی بازپذیرکننده با سطوح بالاتر بزهکاری فراقنی شده ارتباط دارد. توفی و فارینگتون^۷ (۲۰۰۸) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که شرمسازسازی جداکننده (یعنی شرمسازسازی به شیوه انگ زنده یا ردکننده) اثر مستقیم بر شیوه مدیریت شرم در بین بچه‌ها دارد. ربلون و دیگران^۸ (۲۰۱۰) دریافتند که انتظار شرم

1. Gossip
2. Interaction Terms
3. Murphy&Harris
4. Losoncz
5. Tyson
6. Tyler
7. Ttofi & Farrington
8. Rebellion et al

مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی رفتار مجرمانه آتی^۱ است. در مطالعه دیگری، اسکایبل و هاگس^۲ (۲۰۱۱) با استفاده از گویه‌های پیمایش ارزش‌های جهانی و شاخص‌های ملی، نشان دادند که نرخ قتل بر حسب سطوح اجتماعی اجتماع‌گرایی و انگ‌زنی غیررسمی تفاوت دارد.

جمع‌بندی پیشینه تحقیقات تجربی

با نگاهی به آزمون‌های تجربی ابعاد و مولفه‌های نظریه شرم‌سازسازی بازپذیرکننده، کارایی و اثربخشی این نظریه تا حدی روشن می‌شود. در کل شواهد تجربی مخلوط و آمیخته است. هر چند آثار مثبت به‌هم‌پیوستگی خانواده حمایت بیشتری کسب کرده است (های، ۲۰۰۱؛ زنگ و زنگ، ۲۰۰۴؛ لوسونز و تایسون، ۲۰۰۷)، اما برخی تحقیقات تاثیر ناچیز و یا هیچ تاثیری مشاهده نکردند (زنگ و دیگران، ۱۹۹۶؛ تایتل و دیگران، ۲۰۰۳؛ توفی و دیگران، ۲۰۰۸). علاوه بر این، گرچه شرم‌سازسازی جداکننده به طور گسترده‌ای تخلفات بزهکارانه را افزایش می‌دهد (اسکایبل، ۲۰۱۱)، اما تاثیر شرم‌سازسازی بازپذیرکننده با قطعیت کمتری همراه است. برخی دیگر از تحقیقات حاکی از تاثیر مثبت شرم‌سازسازی بازپذیرکننده در کاهش جرم بوده (مککای و بریث ویت، ۱۹۹۴؛ مورفی و هاریس، ۲۰۰۷؛ لوسونز، ۲۰۰۷؛ تایلر، ۲۰۰۷؛ کوریسل، ۲۰۱۳)، برخی حاکی از عدم تاثیر بر بزهکاری (بنت، ۱۹۹۶؛ تایتل، ۲۰۰۳؛ توفی و دیگران، ۲۰۰۸) و پاره‌ای حاکی از افزایش جرم و بزهکاری (های، ۲۰۰۱؛ زنگ و زنگ، ۲۰۰۴؛ بوچکوار و تایتل، ۲۰۰۸، ۲۰۰۵) بوده‌اند. طبق مطالعاتی که تا به حال انجام یافته، به نظر می‌رسد عملکردهای شرم‌سازسازی بازپذیرکننده عموماً به تخلف کمتر و عملکردهای شرم‌سازسازی طردکننده به تخلف بیشتر منجر می‌شود. مضافاً این‌که به نظر می‌رسد نظریه شرم‌سازسازی بازپذیرکننده در ارتباط با تخلفاتی مانند جرایم یقه‌سفید یا بزهکاری و قلدری نوجوانان در مقایسه با تخلفات خرد مجرمانه مثل دزدی، رانندگی در حالت مستی و رفتارهای خشونت‌آمیز، در کاهش رفتارهای تخلف‌آمیز از توفیق و اثربخشی بیشتری برخوردار باشد.

چهارچوب نظری

نظریه شرم‌سازسازی بازپذیرکننده، رهیافتی نئودورکیمی است که بر نقش نیروهای ساختاری و فرهنگی در انسجام اجتماعی و جرم انگشت تاکید می‌نهد. (اسکایبل، ۲۰۱۱؛ شف، ۱۹۹۰). کانون نظریه شرم‌سازسازی بازپذیرکننده، درک ارتباط جرم و کنترل اجتماعی است که بر شرم‌سازسازی اعمال مجرمانه و بازپذیری بعدی عاملان کجرو تاکید می‌ورزد. (بریث ویت، ۱۹۹۴؛ ۱۴۰:۱۹۹۴)

1. Projected
2. Schaible & Hughes

گاد، ۱۶۴:۲۰۰۶). نظریه شرمسازای بازپذیرکننده سنت‌های جرم‌شناختی متعددی را حول مفهوم شرم گرد آورده است (دلار، ۲۰۱۳:۲). بریث ویت بر اهمیت ادغام فرهنگی دست می‌گذارد و استدلال می‌کند که مهم‌ترین عامل در "کنترل جرم، تعهدات فرهنگی به شرمسازای" است. (کیم، ۲۰۱۱:۱۰۶۵؛ اسکیرمن، ۲۰۱۲:۵؛ لیو، ۱۹۹۸:۶۱). مطابق این نظریه، جوامع در صورتی نرخ پایین‌تری از جرم خواهند داشت که شرم را به نحو موثری در زمینه جرم به کار ببندند (بریث ویت، ۲۰۰۰:۲۸۱). از خصوصیات بدیع در نظریه بریث ویت، تفکیک شرمسازای بازپذیرکننده از شرمسازای انگ‌زننده است (بریث ویت، ۱۹۹۳:۱؛ بنت، ۱۹۹۶:۲؛ توفی، ۲۰۰۸:۳۵۴؛ آیوانسویچ، ۲۰۰۸:۴۰۷).

دعای اصلی نظریه شرمسازای از این قرار است: (۱) مسامحه در برابر جرم به وخامت امور می‌انجامد، (۲) انگ‌زنی، یا شرمسازای غیرمحترمانه یا طردکننده جرم، باز هم وخامت امور را به دنبال دارد، (۳) شرمسازای بازپذیرکننده با توبیخ رفتار ضمن حفظ احترام به خلاف‌کار و پایان دادن به آن با مراسم گذشت و بخشش، از جرم جلوگیری می‌کند (بریث ویت، ۲۰۰۲:۷۴). نظریه شرمسازای بازپذیرکننده، نظریه‌ای کل‌گرا^۱ است (گاد، ۱۶۴:۲۰۰۶). مقصود از نظریه و رفتار شرمسازای بازپذیرکننده، بیشینه‌سازی شرم، با حفظ روابط اجتماع و ایجاد فرصت جبران و ترمیم ضرر و آسیب برای متخلف است (چن، ۲۰۰۲:۵۳). در کل، نظریه کنترل و نظریه بازدارندگی^۲ ارکان اصلی نظریه شرمسازای بازپذیرکننده بریث ویت را تشکیل می‌دهند. شرمسازای بازپذیرکننده مبتنی بر نظریه بازدارندگی است. یعنی هزینه‌های تخلف را تا آن‌جا بالا می‌برد که تخلف به امری ناندیشیده^۳ تبدیل گردد. همچنین مبتنی بر نظریه کنترل است. یعنی از پیوند اجتماعی به مثابه یک مکانیزم و سازوکار جهت تسهیل شرمسازای بازپذیرکننده استفاده می‌کند (هندریکس، ۲۰۰۴:۸؛ ونتارا^۴، ۲۰۰۶:۱۹).

1. Gadd
2. Dollar
3. Kim
4. Scheuerman
5. Ivancevich
6. Holistic
7. Chen
8. Deterrence
9. Unthinkable
10. Ventura

مفاهیم کلیدی نظریه شرمسازسازی در قالب سه خوشه قابل ترسیم است: به هم پیوستگی، اجتماع گرایی و شرمسازسازی (علیوردی نیا و حسنی، ۱۳۹۳: ۱۵۷؛ کاو^۱، ۲۰۰۹: ۴۶۶).

به هم پیوستگی: به هم پیوستگی به شرایط افراد اطلاق می‌شود؛ یعنی میزان مشارکت افراد در شبکه‌هایی که برای نیل به اهداف ارزشمند به افراد دیگر وابسته‌اند و سایرین نیز به آن‌ها وابستگی متقابل دارند (کالن^۲، ۲۰۱۱: ۲۵۸؛ ونتارا، ۲۰۰۶: ۱۸). در نظریه بریث ویت، به هم پیوستگی اساساً اجتماع گرایی در سطح فردی است (میلر^۳، ۲۰۰۹: ۴).

اجتماع گرایی: اجتماع در علوم اجتماعی، جزو مفاهیم گنگ و مبهم به شمار می‌رود. آنچه سازنده اجتماع است نه ساختار آن، بلکه یک حالت ذهنی است؛ یعنی احساس^۴ اجتماع. (اوتویت، ۱۹۹۳: ۹۸). در نظر بریث ویت، اجتماع گرایی ناظر به شرایط و وضعیت جوامع است (کالن، ۲۰۱۱: ۲۵۸). اجتماع گرایی "پادزهر فردگرایی" (ساکياما^۵، ۲۰۰۸: ۸) و حاکی از حضور سرمایه اجتماعی است (ونتارا، ۲۰۰۶: ۱۸؛ میلر، ۲۰۰۹: ۴).

شرمسازسازی: شرمسازسازی به معنی تمامی فرایندهای اجتماعی است که بیانگر توبیخ و عدم تایید اجتماعی به منظور ایجاد پشیمانی یا شرمسازسازی و سرزنش در یک شخص برای احساس شرم از دیگران است (بریث ویت، ۱۹۸۹: ۳۴۰؛ کالن، ۲۰۱۱: ۲۵۸؛ های، ۱۹۹۸: ۴۲۶). طبق نظر بریث ویت، شرمسازسازی می‌تواند بسیار ریز و ظریف باشد (بریث ویت، ۱۹۹۸: ۵۷-۵۸ به نقل از راسل^۶، ۱۹۹۸: ۳۰۵).

شرمسازسازی بازپذیرکننده: شرمسازسازی بازپذیرکننده هنگامی رخ می‌دهد که اعضای اجتماع با ابراز عدم تایید برابر انحراف واکنش نشان داده و متعاقباً بازگشت خلاف کار را به آغوش جامعه و اجتماع بپذیرند (میته، ۲۰۰۰). در حالی که طبق نظر بریث ویت، مراسم رسوایی به توالی عدم تایید-رسوایی-اخراج^۸ راجع است، مراسم بازپذیری، بر توالی عدم تایید-آبروداری-ادخال^۹ تاکید و تمرکز دارد (بریث ویت، ۱۹۹۴: ۱۴۲).

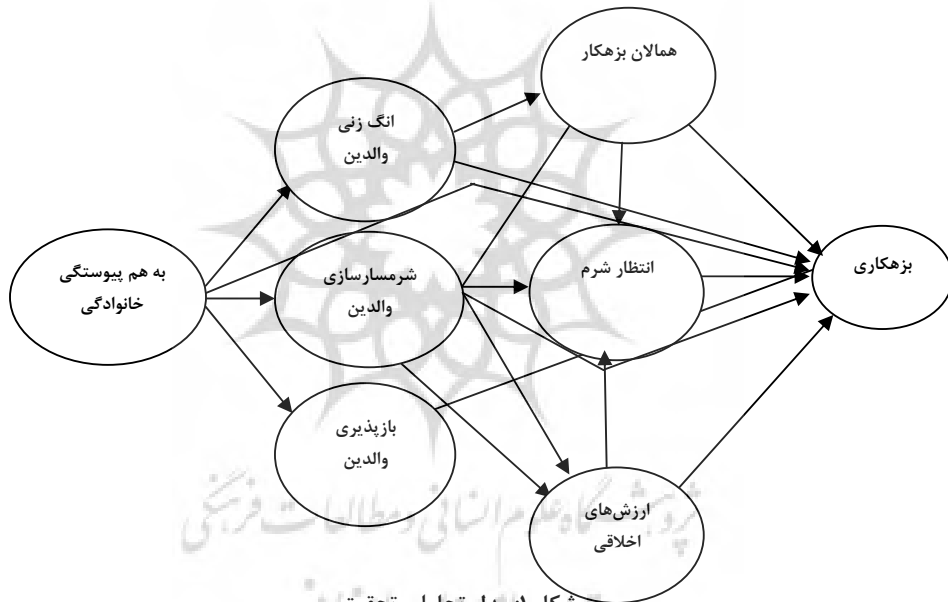
انگ زنی^{۱۰}: انگ زنی، شرمسازسازی جداکننده‌ای است که در خلال آن هیچ نوع تلاشی برای بخشودگی خلاف کار یا تایید شخصیت او و در نتیجه تقویت عضویت او در جمع شهروندان

1. Kao
2. Cullen
3. Miller
4. Feeling
5. Outhwaite
6. Sakiyama
7. Russell
8. Disapproval-Degradation-Exclusion
9. Disapproval-Non-Degradation-Inclusion
10. Stigmatization

قانون‌پذیر صورت نمی‌گیرد. (بریث ویت، ۱۹۸۹: ۱۰۲؛ ونتارا، ۲۰۰۶: ۱۸؛ کالن، ۲۰۱۱: ۲۵۸). در اینجا شخص خلاف‌کار طرد می‌شود و انحراف او فرصت و امکان تبدیل شدن به منزلت اصلی^۱ را پیدا می‌کند. (لیجر^۲، ۲۰۰۹: ۷۲).

خرده فرهنگ های مجرمانه: خرده فرهنگ مجرمانه، منظومه‌ای از توجیهات و هنجارهای رفتاری است که باهم و در کنار هم از رفتار مجرمانه حمایت می‌کنند. این تجمع معمولاً توسط گروه‌های خرده فرهنگی که به طرق مختلف حمایت اجتماعی نظام‌مندی را از جرم بعمل می‌آورد، تسهیل می‌گردد- تدارک فرصت‌های مجرمانه برای اعضا، ارزش‌های مجرمانه، نگرش‌های تضعیف‌کننده ارزش‌های قانون‌پذیری رایج و مرسوم، یا فنون و تکنیک‌های خنثی‌سازی ارزش‌های مرسوم (کالن، ۲۰۱۱: ۲۵۹).

شکل ۱، مدل تحلیلی تحقیق حاضر را بر اساس مبانی نظری فوق نشان می‌دهد. متغیر به‌هم‌پیوستگی به مثابه متغیر مستقل، متغیرهای انگ‌زنی، بازپذیری، شرمسازای، همالان بزهکار، انتظار شرمسازای و ارزش‌های اخلاقی در حکم متغیرهای میانجی و متغیر بزهکاری به منزله متغیر وابسته، شاکله اصلی این مدل را تشکیل می‌دهد.



شکل ۱: مدل تحلیلی تحقیق

1. Master Status
2. Léger
3. Criminal Subcultures

فرضیه اصلی

بین شرمسازسازی بازپذیرکننده و بزهکاری رابطه منفی وجود دارد.

فرضیات فرعی

شرمسازسازی والدین ارتباط مستقیم و منفی با بزهکاری دارد.
شرمسازسازی والدین از طریق افزایش انتظار شرم، موجب کاهش بزهکاری می‌گردد.
شرمسازسازی والدین از طریق افزایش ارزش‌های اخلاقی، موجب کاهش بزهکاری می‌گردد.
بازپذیری والدین ارتباط مستقیم و منفی با بزهکاری دارد.
انگ‌زنی والدین ارتباط مستقیم و مثبت با بزهکاری دارد.
انگ‌زنی والدین از طریق افزایش همالان بزهکار، موجب افزایش بزهکاری می‌گردد.
به‌هم‌پیوستگی خانوادگی ارتباط مستقیم و منفی با بزهکاری دارد.
به‌هم‌پیوستگی خانوادگی از مسیر تاثیرگذاری بر شرمسازسازی والدین، با بزهکاری ارتباط غیرمستقیم و منفی دارد.
به‌هم‌پیوستگی خانوادگی از مسیر تاثیرگذاری بر بازپذیری والدین، با بزهکاری ارتباط غیرمستقیم و منفی دارد.
به‌هم‌پیوستگی خانوادگی از مسیر تاثیرگذاری بر انگ‌زنی والدین، با بزهکاری ارتباط غیرمستقیم و منفی دارد.
همالان بزهکار ارتباط مستقیم و مثبتی با بزهکاری دارد.
همالان بزهکار از طریق کاهش انتظار شرم، موجب افزایش بزهکاری می‌شوند.
همالان بزهکار از طریق کاهش ارزش‌های اخلاقی، موجب افزایش بزهکاری می‌شوند.

روش تحقیق

این تحقیق در پی آزمون مدل علی برگرفته از نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده در چهارچوب خانواده است و با استفاده از روش پیمایشی، به متغیرهای سطح فردی می‌پردازد. به این ترتیب، در این تحقیق برای آزمون و ارزیابی نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده، از روش پیمایش استفاده شده است. تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی سال سوم مشغول به تحصیل در شهر تبریز در نیمه اول سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ جمعیت تحقیق این پژوهش را تشکیل می‌دهند که ۲۰۲۶۵ نفر می‌باشند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به مقدار ۸۲۹ نفر محاسبه شده است. برای

انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. پسران و دختران در این تحقیق، به مثابه دو طبقه نمونه‌ای اصلی انتخاب گردیدند. روش کار به این صورت بوده است که در مرحله اول از کلیه نواحی پنج گانه تبریز که دارای ۳۰۵ مدرسه پسرانه و دخترانه است، تعداد ۳۰ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب گردید. بعد از مشخص شدن مدارس، یک کلاس به طور تصادفی انتخاب و تست‌های لازم اجرا شد. پس از گردآوری داده‌ها، فرضیات تحقیق به محک آزمون نهاده شدند. برای به دست آوردن اعتبار ابزار، از اعتبار محتوا^۱ و اعتبار سازه^۲ و برای به دست آوردن پایایی^۳، از محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شده است. به این صورت که جهت ارزیابی اعتبار محتوا، نخست سعی گردید حوزه معنایی مفاهیم و ابعاد و مولفه‌های آنها به خوبی تعریف گردد. در مرحله بعد، برای ارزیابی اعتبار سازه، از روش تحلیل عاملی استفاده گردید. پایایی ابزار تحقیق نیز با استفاده از آلفای کرونباخ و با معیار همسازی درونی گویه‌های (با معیار ۰/۷۰) انجام شده است.

تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

بزهکاری: برای سنجش بزهکاری از دو بعد تخلفات بزهکارانه و تخلفات منزلتی^۴ استفاده شده است. تخلفات منزلتی ناظر به تخلفات افراد زیر سن قانونی و تخلفات مجرمانه و قلدری ناظر به تخلفات افراد همه سنین است. برای سنجش تخلفات بزهکارانه با نظر به تعریف مفهومی و با الهام و اقتباس از تحقیقات پیشین پنج مولفه خشونت (مون، ۲۰۰۸، ۵؛ لی، ۲۰۰۵، ۶)، سرقت (مون، ۲۰۰۸، ۲؛ لی، ۲۰۰۵)، وندالیسم (مون، ۲۰۰۸، ۲؛ لی، ۲۰۰۸، ۲؛ علیوردی نیا، ۱۳۹۱)، تقلب امتحانی (مافتیک، ۲۰۰۶، ۷؛ هال، ۱۹۹۹، ۸) و مصرف الکل و مواد مخدر (مون، ۲۰۰۸، ۲؛ لی، ۲۰۰۵) در نظر گرفته شد. برای سنجش تخلفات منزلتی با توجه به تعریف مفهومی و تحقیقات پیشین (لی، ۲۰۰۵، ۲؛ مون، ۲۰۰۸) از شش معرف مصرف سیگار، فرار از منزل، دیر برگشتن به خانه، رانندگی بدون گواهی‌نامه، بی‌احترامی به معلم و والدین و گریز یا غیبت از مدرسه استفاده شده است. سنجش بزهکاری به هر دو روش سنج‌های گذشته‌نگر^۵ سنج‌های آینده‌نگر^۶ انجام یافته است.^{*}

1. Content Validity
2. Construct Validity
3. Reliability
4. Status Offenses
5. Moon
6. Le
7. Muftic
8. Hall
9. Past Offenses
10. Prospective

به هم پیوستگی: برای اندازه‌گیری متغیر به هم پیوستگی در خانواده، از چهار معرف زیر که مورد نظر بریث ویت (۱۹۸۹) بوده، استفاده شده است: دلبستگی^۲ به والدین، ارتباطات^۳، ادارک^۴ نوجوانان از احساس دلبستگی والدین و احترام به والدین.

شرمسازسازی: برای سنجش شرمسازسازی با توجه به تعریف بریث ویت (۱۹۸۹) و با اقتباس از تحقیقات بنت (۱۹۹۶)، های (۲۰۰۱) و لوسونز (۲۰۰۷) از ۶ گویه استفاده شده که پس از تحلیل عاملی و حذف یکی از گویه‌ها، در نهایت ۵ گویه برای سنجش این متغیر استفاده شد.

بازپذیری: برای عملیاتی کردن متغیر بازپذیری از چهار معرف (بریث ویت، ۲۰۰۱)؛ برخورد محترمانه، گفت‌وگو در فضای تاییدآمیز، واکنش به رفتار و نه شخصیت و بخشش و گذشت استفاده شده است. انتخاب گویه‌ها نیز برای اندازه‌گیری بازپذیری، با اقتباس از تحقیقات بریث ویت (۲۰۰۱)، مککای و بریث ویت (۱۹۹۴)، های (۲۰۰۱) و لوسونز (۲۰۰۷) صورت گرفته است.

انگ‌زنی: برای سنجش متغیر انگ‌زنی در تحقیق حاضر با اقتباس از مطالعات پیشین (مککای و بریث ویت، ۱۹۹۴؛ بریث ویت، ۱۹۸۹؛ لوسونز، ۲۰۰۷) و طبق پیشنهاد مککای و بریث ویت (۱۹۹۴) و بر طبق مشخصات انگ‌زنی پیشنهادی توسط بریث ویت (۲۰۰۱؛ ۱۹۸۹) از قبیل شرمسازسازی و برچسب زنی به شخص و نه رفتار، تحقیر شخص، بی احترامی و برچسب‌زنی با یک هویت مطرود، شش گویه انتخاب شده است.

همالان بزهکار^۵: در عملیاتی کردن متغیر همالان بزهکار، بر طبق نظریه همنشینی افتراقی از سه بعد تعدد، مدت^۱، تقدم^۲ استفاده شده است. برای ساخت مقیاس همالان بزهکار نیز از تحقیقات چانگ^۳ (۲۰۰۵)، لانگشور^۴ (۲۰۰۵)، زنگ (۲۰۰۴) و میشل کریتاسی^۵ (۲۰۰۸) استفاده شده است.

* با توجه به امتیازات و برتری‌های ذکر شده برای بزهکاری فرافکنی شده و استفاده از احتمالات فرافکنی انحراف یا بزهکاری آتی به عنوان شاخصی رایج از تخلفات بالقوه در طول بیست سال گذشته (های، ۲۰۰۱؛ تایتل، ۲۰۰۳؛ بوچکوار، ۲۰۰۵؛ لوسونز، ۲۰۰۷؛ بوچکوار، ۲۰۰۸؛ ربلون، ۲۰۱۰)، در این تحقیق سعی گردید هر دو مقیاس بزهکاری (بزهکاری گذشته‌نگر و بزهکاری آینده‌نگر) به طور همزمان مورد سنجش قرار گیرد. بخصوص که در تحقیقات مقطعی^۱، استفاده از بزهکاری فرافکنی شده به جای گزارشات گذشته، مناسب و مفید تلقی شده، زیرا ترتیب و توالی درست و منطقی متغیرها را به طور نسبی امکان‌پذیر می‌سازد. در تحلیل داده‌ها، با توجه به همبستگی بالای این دو مقیاس، و به منظور مقایسه پذیری نتایج یافته‌های این تحقیق با تحقیقات گذشته، ترجیحاً از بزهکاری گذشته‌نگر استفاده گشت.

2. Attachment
3. Communication
4. Perception
5. Delinquent Peer
6. Frequency

انتظار شرم: انتظار شرم به میزان احساس شرم نوجوان در صورت گیر افتادن حین ارتکاب جرم یا تخلف، در مقابل دیگران معنادار اطلاق می‌گردد (اسونسون^۷، ۲۰۱۳: ۲۸). متغیر انتظار شرم، با استفاده از مقیاس تیب^۸ (۱۹۹۹)، اسونسون (۲۰۱۳) و ربلون (۲۰۱۰) اندازه‌گیری شده است. **ارزش‌های اخلاقی:** ارزش‌های اخلاقی از طریق میزان تساهل و بی‌تفاوتی نوجوانان در قبال خطاها و قانون‌شکنی‌های اخلاقی اندازه‌گیری شده است. مقیاس ارزش‌های اخلاقی با استفاده از پژوهش اسونسون (۲۰۱۳) و بائو^{۱۰} (۲۰۱۲، ۲۰۰۷) ساخته شده است.

توصیف داده‌ها

تعداد کل نمونه در تحقیق حاضر ۸۳۵ نفر می‌باشد که ۴۷/۹ درصد نمونه را پسران و ۵۲/۱ درصد از نمونه را دختران تشکیل می‌دهند. تحصیلات پدر ۴ درصد از پاسخ‌گویان بی‌سواد و تحصیلات مادر ۹/۵ درصد از آن‌ها بی‌سواد بوده است. بر اساس جدول منزلت شغلی (نایی، ۱۳۸۱)، ۴/۸ درصد از پاسخ‌گویان متعلق به منزلت شغلی عالی رتبه بالا، ۹/۳ درصد متعلق به منزلت شغلی عالی رتبه پایین، ۳۷/۴ درصد از پاسخ‌گویان متعلق به منزلت شغلی متوسط، ۳۴/۲ درصد متعلق به منزلت شغلی پایین بالا و ۱۱/۳ درصد متعلق به منزلت شغلی پایین پایین می‌باشند. ۳۲/۱ درصد از افراد درآمدی زیر یک میلیون، ۴۴/۷ درصد یک تا دو میلیون، ۹/۲ درصد دو تا سه میلیون، ۶ درصد سه تا چهار میلیون، ۳/۶ چهار تا پنج میلیون و ۳/۷ بیش از پنج میلیون درآمد داشته‌اند. ۲۴/۴ درصد پاسخ‌گویان از رشته فنی حرفه‌ای، ۹/۸ درصد از رشته کاردانش، ۲۳/۲ درصد از رشته علوم انسانی، ۲۲/۴ درصد از رشته ریاضی و ۲۰/۲ درصد نیز از رشته تجربی بوده‌اند. همچنین ۹۲/۷ درصد دانش‌آموزان از مدارس دولتی و ۷/۳ درصد دانش‌آموزان از مدارس غیردولتی بوده‌اند.

1. Duration
2. Priority
3. Chang
4. Longshore
5. Michael A. Cretacci
6. Anticipated shame
7. Svensson
8. Tibbetts
9. Moral Values
10. Bao

توصیف متغیرهای مستقل

جدول شماره (۱) توزیع فراوانی نسبی پاسخ‌گویان بر حسب متغیرهای مستقل و میانجی را به صورت درصدی نشان می‌دهد. ۸۵/۵ درصد پسران و ۸۷/۳ درصد دختران، شرمسارسازی خیلی زیاد-زیاد را در خانواده عنوان کرده‌اند که نشان از بالا بودن میزان تجربه‌های شرمسارسازی فرزندان از سوی والدین به هنگام انجام تخلفات دارد. حداقل میزان شرمسارسازی والدین ۱۰ و حداکثر میزان شرمسارسازی والدین ۲۵ می‌باشد. میانگین این توزیع، ۲۱/۴۰ با انحراف معیار ۲/۶۸ می‌باشد. ۶۴/۶ درصد پسران و ۶۴/۸ درصد دختران نیز در متغیر بازپذیری گزینه زیاد-خیلی زیاد و ۳۴/۷ درصد پسران و ۳۳/۸ درصد دختران گزینه بینابین را انتخاب کرده‌اند. در رابطه با متغیر انگ‌زنی می‌توان گفت، که با ۱/۴ درصد از پسران و ۲/۳ درصد از دختران با رویکرد انگ‌زنانه‌ای برخورد می‌شود. حداقل نمره انگ‌زنی والدین ۵ و حداکثر نمره انگ‌زنی والدین ۲۵ می‌باشد. میانگین این توزیع ۸/۷۰ با انحراف معیار ۴/۱۶ می‌باشد.

جدول ۱: توزیع فراوانی نسبی پاسخ‌گویان بر حسب متغیرهای مستقل و میانجی

متغیرها	پسر			دختر			کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
	بیشترین	کمترین	میانگین	بیشترین	کمترین	میانگین				
شرمسارسازی	۸۵/۵	۱۴/۵	۰	۸۷/۳	۱۲/۵	۰/۳	۱۰	۲۵	۲۱/۴۰	۲/۶۸
بازپذیری	۶۴/۶	۳۴/۷	۰/۷	۶۴/۸	۳۳/۸	۱/۵	۷	۳۵	۲۵	۴/۸۱
انگ زنی	۱/۴	۲۶/۲	۷۲/۴	۲/۳	۲۱/۳	۷۵/۵	۵	۲۵	۸/۷۰	۴/۱۶
به هم پیوستگی	۸۴/۴	۱۵/۴	۰/۲	۸۲/۵	۱۷	۰/۵	۸	۴۰	۳۲/۸۸	۵/۷۴
همالان بزهکار	۸	۱۵	۷۷	۵	۱۱	۸۴	۰	۲۸	۱/۳۲	۲/۶۵
ارزش‌های اخلاقی	۷۸/۴	۲۰/۷	۰/۹	۷۹/۸	۱۹	۱	۶	۳۰	۲۳/۶۱	۴/۲۵
انتظار شرم	۸۳/۲	۱۶/۱	۰/۷	۸۳/۵	۱۶/۵	۰	۵	۲۵	۲۱/۰۷	۳/۶۹

چنان‌که جدول (۱) نشان می‌دهد پاسخ‌گویان، درجه بالایی از به‌هم‌پیوستگی ادراکی/پنداری را گزارش داده‌اند (میانگین ۳۲/۸۸ بر روی یک پیوستار ۴۰ درجه‌ای). ۸۴/۴ درصد پسران و ۸۲/۵ درصد دختران، دارای به هم پیوستگی زیاد-خیلی زیاد بوده‌اند که در واقع، تفاوت محسوسی را با یکدیگر نشان نمی‌دهند. متغیر همالان بزهکار، نشان می‌دهد که ۸ درصد پسران و ۵ درصد دختران

دارای همالان بزهکاری زیاد-خیلی زیاد و ۷۷ درصد پسران و ۸۴ درصد دختران دارای همالان بزهکار کم-خیلی کم بوده اند. متغیر ارزش‌های اخلاقی با حداقل نمره ۶ و حداکثر نمره ۳۰ و با میانگین ۲۳/۶۱ و انحراف معیار ۴/۲۵ می‌باشد. طبق داده‌های جدول (۱)، ۷۸/۴ درصد پسران و ۷۸/۸ درصد دختران ارزش‌های اخلاقی زیاد-خیلی زیادی را نشان داده‌اند. نمره انتظار شرم با میانگین ۲۱/۰۷ و انحراف معیار ۳/۶۹، الگوی نسبتاً یک‌سانی را در بین هر دو جنس نشان می‌دهد. به طوری که ۸۳/۲ درصد پسران و ۸۳/۵ درصد دختران، اذعان کرده‌اند که اگر در موقع انجام تخلف، والدین‌شان مطلع شود، دچار احساس شرم و شرمندگی می‌شوند.

توصیف متغیر وابسته (بزهکاری گذشته‌نگر و بزهکاری آینده‌نگر)

جدول شماره (۲) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان در مقیاس کل بزهکاری و زیرمقیاس‌های آن به صورت گذشته‌نگر و آینده‌نگر به تفکیک جنس پاسخ‌گویان نشان می‌دهد. طبق داده‌های جدول، بیشترین میزان بزهکاری در بین پسران، دختران و کل جمعیت، بعد تقلب امتحانی و کمترین میزان بزهکاری بعد سرقت بوده است. با مقایسه ارقام و اعداد مندرج در جدول (۲) می‌توان به تفاوت‌های موجود در بین دختران و پسران و نمونه کل بر حسب ابعاد مختلف بزهکاری پی برد. برای مثال با مقایسه بعد مصرف مواد در بین دختران و پسران، می‌توان گفت که طی یک سال گذشته، ۰/۹ درصد از پاسخ‌گویان پسر و ۰ درصد از پاسخ‌گویان دختر، مصرف مواد را در حد بالایی ارزیابی کرده‌اند. به‌طور کلی بر اساس اطلاعات مندرج در جدول می‌توان گفت که در بعد بزهکاری گذشته‌نگر، از مجموع دانش‌آموزان سال سوم متوسطه مدارس، ۷/۴ درصد هیچ بزهکاری نداشته‌اند، ۷۳/۱ درصد بزهکاری کم، ۱۱/۴ درصد بزهکاری در حد متوسط، ۴۱/۳ درصد بزهکاری زیاد و ۰ درصد بزهکاری خیلی زیاد داشته‌اند. همچنین در بعد بزهکاری آینده‌نگر، ۱۷/۸ درصد ارتکاب احتمالی هیچ بزهکاری را در آینده تأیید نمی‌کنند، ۶۹/۶ احتمال ارتکاب بزهکاری را کم، ۹/۷ درصد تا حدودی، ۱/۹ درصد زیاد و ۰ درصد خیلی زیاد برآورده کرده‌اند.

جدول ۲: درصد توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب مقیاس کل بزهکاری گذشته‌نگر و بزهکاری آینده‌نگر و ابعاد آن به تفکیک جنس

بزهکاری و ابعاد آن	شدت	گذشته‌نگر			آینده‌نگر	
		دختر	پسر	کل	دختر	پسر
خشونت	اصلاً	۵۴/۳	۳۴/۳	۴۳/۸	۶۰/۸	۴۰/۵
	کم	۴۰/۳	۵۱/۳	۴۶	۳۵	۴۲/۸
	تا حدودی	۵/۳	۱۰/۳	۷/۹	۳/۳	۱۲/۹
	زیاد	۰/۳	۳/۷	۲	۱	۳/۲

بزهکاری و ابعاد آن	شدت	گذشته نگر			آینده نگر		
		دختر	پسر	کل	دختر	پسر	کل
سرقت	خیلی زیاد	۰	۰/۵	۰/۲	۰	۰/۷	۰/۴
	اصلاً	۸۶/۳	۷۸/۴	۸۲/۲	۹۰/۸	۸۳/۴	۸۶/۹
	کم	۱۲/۳	۱۸/۲	۱۵/۳	۸/۵	۱۲/۹	۱۰/۸
	تا حدودی	۱/۵	۳	۲/۳	۰/۸	۳	۱/۹
	زیاد	۰	۰/۵	۰/۲	۰	۰/۵	۰
	خیلی زیاد	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۲
وندالیسم	اصلاً	۴۰/۳	۴۹/۹	۴۵/۳	۵۷/۳	۶۲/۳	۵۹/۹
	کم	۵۲/۵	۴۰	۴۶	۳۸/۵	۳۱/۵	۳۴/۹
	تا حدودی	۶	۶/۹	۶/۵	۲/۵	۴/۴	۳/۵
	زیاد	۰/۸	۲/۱	۱/۴	۰/۳	۰/۷	۰/۵
	خیلی زیاد	۰/۵	۱/۱	۰/۸	۰/۸	۱/۱	۱
تقلب امتحانی	اصلاً	۲۲/۳	۲۰/۷	۲۱/۴	۳۳/۳	۳۱/۳	۳۲/۲
	کم	۴۸	۴۲/۸	۴۳/۳	۳۹	۳۸/۲	۳۸/۶
	تا حدودی	۱۹/۵	۲۰/۷	۲۰/۱	۱۷	۱۶/۸	۱۶/۹
	زیاد	۷/۳	۱۱	۹/۲	۵/۸	۸/۵	۷/۲
	خیلی زیاد	۲	۴/۸	۳/۵	۴	۴/۸	۴/۴
	اصلاً	۸۹	۷۴/۹	۸۱/۷	۸۷	۷۴/۷	۸۰/۶
مصرف مواد	کم	۹	۱۶/۶	۱۲/۹	۹/۵	۱۴/۹	۱۲/۳
	تا حدودی	۱/۳	۶	۳/۷	۲/۸	۶/۷	۴/۸
	زیاد	۰/۳	۱/۶	۱	۰/۵	۲/۸	۱/۷
	خیلی زیاد	۰	۰/۹	۰/۵	۰	۰/۹	۰/۵
	اصلاً	۴۳	۲۸	۳۵/۲	۵۲/۳	۳۳/۱	۴۲/۳
کجروی جنسی	کم	۴۵/۳	۳۹/۱	۴۲	۳۶/۵	۳۳/۸	۳۵/۱
	تا حدودی	۹/۳	۱۸/۴	۱۴	۸/۸	۱۹/۱	۱۴/۱
	زیاد	۱/۸	۱۰/۸	۵/۶	۱/۸	۹/۴	۵/۷
	خیلی زیاد	۰/۸	۳/۴	۲/۲	۰/۸	۴/۴	۲/۶
	اصلاً	۵۱/۵	۲۲/۳	۳۶/۳	۵۶/۸	۲۹/۷	۴۲/۶
	کم	۴۶	۵۹/۱	۵۲/۸	۳۹	۵۲	۴۵/۷
تخلفات منزلتی	تا حدودی	۲/۳	۱۵/۶	۹/۲	۳	۱۳/۱	۸/۳
	زیاد	۰/۳	۲/۵	۱/۴	۱	۴/۶	۲/۹
	خیلی زیاد	۰	۰/۲	۰/۱	۰/۳	۰/۵	۰/۴
	اصلاً	۱۲/۵	۷/۴	۹/۸	۲۳/۵	۱۲/۶	۱۷/۸
بزهکاری کل	کم	۸۱/۵	۷۳/۱	۷۶/۶	۶۹/۸	۶۹/۴	۶۹/۶
	تا حدودی	۵/۵	۱۶/۸	۱۱/۴	۸	۱۴	۹/۷
	زیاد	۰	۲/۵	۱/۳	۰/۵	۳/۲	۱/۹

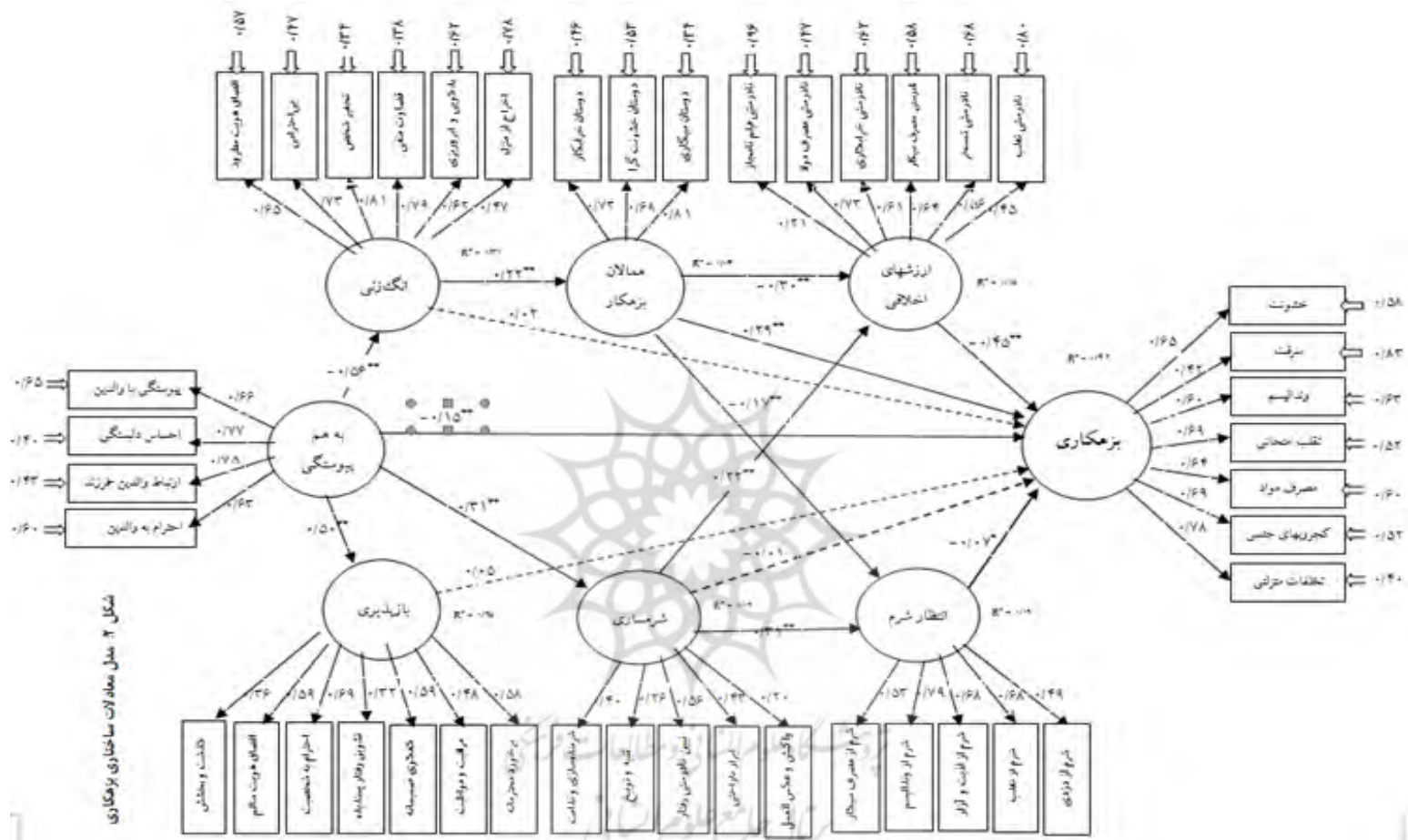
بزهکاری و ابعاد آن		شدت	گذشته نگر			آینده نگر		
			دختر	پسر	کل	دختر	پسر	کل
		خیلی زیاد

مدل معادلات ساختاری بزهکاری

مدل سازی معادلات ساختاری مفهوم کلی است که برای توصیف تعداد زیادی از مدل های آماری که به منظور ارزیابی اعتبار نظریه های اصلی با داده های تجربی استفاده شده، به کار می رود (لی^۱، ۲۰۰۷:۳۳). مدل سازی معادلات ساختاری، یک تکنیک عمدتاً تأییدی (میهن^۲، ۲۰۰۷:۱۵۶۲) است که برای آزمون روابط ساختاری فرضی در مورد یک پدیده به کار می رود (آدلسون^۳، ۲۰۱۲:۴۸). اصطلاح مدل سازی معادلات ساختاری به دو بخش مهم از یک روند واحد اشاره دارد: (۱) فرایندهای علی مورد مطالعه که توسط مجموعه ای از معادلات ساختاری ارائه می شود، و (۲) از طریق مدل سازی مصور روابط ساختاری می توان مفهوم سازی روشنی از نظریه تحت مطالعه به دست داد (بایرن^۴، ۲۰۰۱). مدل معادلات ساختاری از دو بخش اصلی تشکیل یافته است: بخش اندازه گیری و بخش ساختاری (ویرا^۵، ۲۰۱۱:۴). شکل ۲ مدل معادلات ساختاری در بین جمعیت کل ($N = ۸۳۵$) را نشان می دهد*.

1. Lei
2. Meehan
3. Adelson
4. Byrne
5. Vieira

* لازم به ذکر است که بخش اندازه گیری مدل، نخست در قسمت اعتبار و پایایی مورد بحث قرار گرفته است. به طوری که متغیرهای شرمساری، بازپذیری و انگ زنی به سبب تازگی و نو بودن، نخست تحلیل تحلیل عاملی اکتشافی قرار گرفت و پس از چرخش ماتریس، و حذف گویه هایی با بار عاملی کمتر، در قالب مدل تحلیل عاملی قرار گرفتند. مابقی متغیرها نیز، از آنجا که دارای پشتوانه نظری نسبتاً قوی بودند، به صورت تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل اعتبار (اعتبار سازی) شدند و اعتبار آنها مورد تأیید قرار گرفت.



شکل ۳. مدل معادلات ساختاری بزرگواری

به منظور تأیید مدل معادلات ساختاری (شکل ۲) اندازه‌های برازندگی خروجی لیزرل حدود سی شاخص برازش گزارش می‌دهد که هر کدام از زاویه‌ای به تأیید مدل می‌پردازند. جدول (۳) برخی از مهم‌ترین شاخص‌های برازش را نشان می‌دهد.

جدول ۳: آماره‌های برازش مدل در بین کل جمعیت

مدل	نوع مدل	Chi-square	df	p-value	RMSEA	GFI	AGFI	NFI
مدل ۱	مدل کامل	۲۷۱۷/۴۸	۹۹۰	۰/۰۰۰۰	۰۶۱/۰	۰/۹۱	۰/۹۲	۹۳/۰

مقادیر معنادار آزمون χ^2 بدین معناست که اختلاف زیادی میان داده‌ها و مدل وجود دارد و مدل رد می‌شود (ویرا، ۲۰۱۱: ۱۳). ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) یک شاخص «بدی برازش» باشد که هر چه بالاتر باشد، از بدی برازش مدل حکایت دارد (آدلسون، ۲۰۱۲: ۵۱). شاخص RMSEA به سبب این که زیر ۰/۰۸ برآورد شده، نشان از برازش مطلوب‌تر مدل دارد. NFI و CFI شاخص‌های «نیکویی برازش» را در نظر می‌آورد و در آن، مقادیر بالا، حاکی از برازش مطلوب‌تر مدل می‌باشد. با توجه به این که، شاخص‌های AGFI و GFI از نقطه برش ۰/۹۰ بالاتر به دست آمده، حاکی از برازش مطلوب مدل است.

در دیاگرام فوق نتایج ضرایب مشارکت نسبی متغیرهای مکنون تحقیق در بزهکاری کل (کل جمعیت پاسخ‌گویان بدون تفکیک آن‌ها به زیرگروه‌های جمعیتی) مورد بررسی قرار گرفته است که در ذیل به شرح اجمالی هر کدام از آنها پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که ضرایب موجود در مدل دیاگرام، ضرایب حاصل از دستور Standard solution می‌باشد. به عبارتی، این ضرایب، همان ضرایب استاندارد رگرسیونی است که به سبب استاندارد بودن واحد اندازه‌گیری متغیرها، در تبیین (و نه پیش‌بینی) بر ضرایب غیراستاندارد رگرسیونی ارجح است.

۱) اثر مستقیم سازه شمرسار سازی بر بزهکاری معادل با (۰/۰۱-) به دست آمده که از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. به عبارتی، طبق پیش‌بینی‌های نظریه شمرسار سازی بازپذیرکننده بریث ویت، شمرسار سازی بر بزهکاری اثر منفی دارد. این در حالی است که چنین مدعایی از سوی داده‌های به دست آمده به سبب عدم معناداری تأیید نمی‌گردد. در نتیجه، فرضیه اولیه تحقیق مبنی بر تأثیر منفی شمرسار سازی والدین بر بزهکاری رد می‌شود.

۲) طبق پیش‌بینی فرضیه دوم تحقیق، شمرسار سازی والدین از مسیر تأثیرگذاری بر انتظار شرم، اثر منفی بر بزهکاری می‌گذارد. نتایج تحقیق از این فرضیه حمایت می‌کند و در راستای تأیید آن می‌باشد.

۳) پیش‌بینی فرضیه سوم تحقیق بدین صورت است که شمرسار سازی والدین، از رهگذر افزایش ارزش‌های اخلاقی و تقویت آن، به کاهش بزهکاری کمک می‌کند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، از این پیش‌بینی نظری حمایت می‌کند. در نتیجه فرضیه سوم تحقیق، مبنی بر

اثر غیرمستقیم متغیر شرمسازسازی (از مسیر ارزش‌های اخلاقی بر بزهکاری)، از سوی داده‌های تجربی مورد حمایت قرار می‌گیرد.

۴) اثر مستقیم سازه‌بازپذیری بر بزهکاری، مثبت و ناچیز است و از لحاظ آماری نیز غیرمعنادار می‌باشد. از این رو، فرضیه چهارم تحقیق، مبنی بر تأثیر منفی سازه‌بازپذیری بر بزهکاری، نتوانست از پس آزمون تجربی موفق بیرون بیاید و لذا تأیید نگردد.

۵) اثر مستقیم سازه‌انگیزی بر بزهکاری نیز بسیاری ناچیز و از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. در نتیجه، فرضیه پنجم تحقیق، مبنی بر اثر مستقیم متغیر انگیزی بر بزهکاری، از سوی داده‌های تجربی مورد تأیید واقع نشد.

۶) فرضیه ششم، به پیش‌بینی اثر غیرمستقیم انگیزی بر بزهکاری می‌پردازد. اثر غیرمستقیم این متغیر نسبتاً کم و البته معنادار (۰/۰۶) می‌باشد که در راستای پیش‌بینی‌های نظری تحقیق نیز می‌باشد. در نتیجه، فرضیه ششم تحقیق، مبنی بر اثر غیرمستقیم متغیر انگیزی بر بزهکاری توسط داده‌های به‌دست آمده تأیید می‌گردد.

۷) طبق پیش‌بینی‌های نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده، به‌هم‌پیوستگی افراد مستقیم و غیرمستقیم، زمینه را برای کاهش بزهکاری فراهم می‌آورد (فرضیه هفتم). این فرضیه تحقیق دال بر اثر مستقیم متغیر به هم پیوستگی بر روی بزهکاری، با ضریب تأثیر (۰/۱۵-) مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۸) طبق نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده، به‌هم پیوستگی از رهگذر تأثیرگذاری بر شرمسازسازی، بر بزهکاری اثر منفی و غیرمستقیم دارد (فرضیه هشتم). ولی با توجه به علامت مثبت ضریب تأثیر متغیر شرمسازسازی بر بزهکاری، این فرضیه با ضریب تأثیر مثبت و ضعیف (۰/۰۳)، از سوی داده‌های تحقیق مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و لذا رد می‌گردد.

۹) پیش‌بینی فرضیه نهم تحقیق این بود که متغیر به‌هم‌پیوستگی از رهگذر اثرگذاری بر متغیر بازپذیری، بر بزهکاری اثر منفی می‌گذارد. بر خلاف پیش‌بینی‌های نظری، اثر غیرمستقیم متغیر به هم پیوستگی بر بزهکاری، مثبت و البته غیرمعنادار می‌باشد که در واقع با انتظار تئوریک نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده، مغایرت دارد و بر عدم تأیید تجربی این فرضیه تحقیق، دلالت دارد.

۱۰) بر اساس نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده، به هم پیوستگی خانوادگی زمینه را برای انگیزی کمتر فراهم می‌آورد و از آن طریق، به کاهش بزهکاری کمک می‌نماید (فرضیه دهم). این فرضیه با توجه به عدم معناداری رابطه انگیزی و بزهکاری، رد می‌شود و از سوی داده‌ها مورد تأیید و حمایت قرار نمی‌گیرد.

۱۱) فرضیه یازهم تحقیق مبنی بر تأثیر مثبت (مستقیم) همالان بزهکار بر بزهکاری که در اصل پیش‌بینی نظریه معاشرت افتراقی می‌باشد، توسط داده‌های به‌دست آمده مورد تأیید قرار گرفته

است. این رابطه اثر نسبتاً نیرومندی (۰/۲۹) را نشان می‌دهد و مطابق با نظریه شمسار سازی بازپذیرکننده می‌باشد.

۱۲) فرضیه دوازدهم تحقیق حاکی از اثر غیرمستقیم همالان بزهکار بر بزهکاری از رهگذر انتظار شرم می‌باشد. با توجه به داده‌های به دست آمده، این فرضیه تحقیق مورد حمایت تجربی قرار می‌گیرد. اثر غیرمستقیم متغیر همالان بزهکار بر بزهکاری ضعیف ولی در عین حال معنادار است.

۱۳) پیش‌بینی فرضیه سیزدهم این بود که همالان بزهکار از مسیر کاهش ارزش‌های اخلاقی، بر بزهکاری اثر منفی می‌گذارد. اثر همالان بزهکار بر ارزش‌های اخلاقی به مقدار (۰/۳۰-) و اثر ارزش‌های اخلاقی بر بزهکاری به مقدار (۰/۴۵-) می‌باشد که حاصل ضرب آن‌ها (۰/۱۳) به دست آمده است که حاکی از اثر نسبتاً ضعیف ولی معنادار می‌باشد. این یافته نیز در راستای پیش‌بینی نظری مندرج در فرضیه سیزدهم تحقیق می‌باشد و می‌توان گفت این فرضیه تحقیق، از حمایت تجربی برخوردار می‌باشد.

جدول (۴) اثر هر کدام از متغیرهای مدل را نشان داده است.

جدول ۴: جدول ضرایب تأثیر متغیرهای مدل معادلات ساختاری در بین نمونه کل

متغیرهای وابسته	متغیرهای مستقل	B بتا	T ۰/۰۵	R همبستگی چندگانه	R ² ضریب تعیین	Sig آزمون P معناداری
بزهکاری	شمسار سازی	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۶۳	۰/۴۳	۰/۰۰۰
	بازپذیری	۰/۰۵	۱/۵۱			
	انگ زنی	۰/۰۲	۰/۵۲			
	همالان بزهکار	۰/۲۹**	۹/۳۳			
	به هم پیوستگی	۰/۱۵**	۳/۵۹			
	ارزش‌های اخلاقی	۰/۴۵**	۱۴/۶۹			
انتظار شرم	۰/۰۷**	۲/۴۳				
شمسار سازی	به هم پیوستگی	۰/۳۱**	۹/۵۶	۰/۳۱	۰/۰۹	۰/۰۰۰
بازپذیری	به هم پیوستگی	۰/۵۰**	۱۶/۵۷	۰/۵۰	۰/۲۵	۰/۰۰۰
انگ زنی	به هم پیوستگی	۰/۵۶**	۱۹/۲۸	۰/۵۶	۰/۳۱	۰/۰۰۰
همالان بزهکار	انگ زنی	۰/۲۲**	۶/۳۷	۰/۲۲	۰/۰۴	۰/۰۰۰
ارزش‌های اخلاقی	شمسار سازی	۰/۲۲**	۷/۰	۰/۲۲	۰/۱۵	۰/۰۰۰
	همالان بزهکار	۰/۳۰**	۹/۳۵	۰/۳۰		
انتظار شرم	شمسار سازی	۰/۳۱**	۹/۱۶	۰/۳۱	۰/۰۹	۰/۰۰۰
	همالان بزهکار	۰/۱۷**	۵/۲۷	۰/۱۷		

خلاصه و نتیجه‌گیری

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین شرمسازسازی بازپذیرکننده و بزهکاری در بستر خانواده بوده است. با آزمون فرض اول در قالب مدل معادله ساختاری مشاهده گردید، شرمسازسازی والدین ارتباط معناداری با بزهکاری ندارد. به عبارتی، اثر شرمسازسازی بر خلاف پیش‌بینی‌های نظری اثر معناداری را از خود نشان نداده است. در نتیجه این فرضیه رد می‌شود. این یافته با نتایج تحقیقات بنت (۱۹۹۶)، تایتل و دیگران (۲۰۰۳)، بوچکوار (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۸) و توفی و فارینگتون (۲۰۰۸) همسو و ناهمسو با نتایج تحقیقات های (۲۰۰۱)، زنگ و زنگ (۲۰۰۴)، مورفی و هاریس (۲۰۰۷) و کوریسل (۲۰۱۳) بوده است. اثر غیرمعنادار شرمسازسازی بر بزهکاری می‌تواند ناشی از اثرات بالقوه انگ‌زننده شرمسازسازی باشد. به باور برخی از محققان (شف و ریتزینگر، ۱۹۹۱)، برخی از جنبه‌های شرمسازسازی یا حتی کلیت آن می‌تواند بالذات انگ‌زننده باشد. در نظریه‌پردازی شف و ریتزینگر (۲۰۰۰)، شرم ممکن است با احساس حقارت و پستی که محرک خشم است، پیوند نزدیکی داشته باشد.

با این‌که فرضیه اول (اثر مستقیم متغیر شرمسازسازی) رد شد، اما فرضیه دوم یعنی تأثیر غیرمستقیم متغیر شرمسازسازی از مسیر ارزش‌های اخلاقی مورد تأیید قرار گرفت که همسو با تحقیق اسونسون (۲۰۱۳) بوده است. فرضیه سوم تحقیق نیز مبنی بر تأثیر غیرمستقیم متغیر شرمسازسازی از مسیر انتظار شرم مورد تأیید قرار گرفت. این یافته کم و بیش با یافته‌های تحقیقات مورفی و هاریس (۲۰۰۷)، اسونسون (۲۰۰۴)، ربلون و دیگران (۲۰۱۰)، تابلور و دیگران (۲۰۰۷) همسو بوده و با یافته‌های تایتل و دیگران (۲۰۰۳)، بوچکوار و تایتل (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۸) و توفی و فارینگتون (۲۰۰۸) ناهمسو بوده است. لذا در مجموع می‌توان نتیجه گرفت، که در تحقیق حاضر، اثر مستقیم شرمسازسازی غیرمعنادار ولی اثر غیرمستقیم آن معنادار بوده است.

بریث ویت و بریث ویت (۲۰۰۱) در جرح و اصلاح نظریه شرمسازسازی بازپذیرکننده، بر نقش عواطف مربوط به شرم در میانجی‌گری اثر بازپذیری یا انگ‌زنی بر تخلف تأکید گذاشته‌اند. آن‌ها طبق تحقیقات و آثار شف و ریتزینگر (۱۹۹۱) پیشنهاد داده‌اند که افراد، پاسخ متفاوتی به شرم می‌دهند و شیوه یا روش مدیریت احساس شرم، دلالت‌های مهمی برای رفتارهای آتی در پی دارد. سنت پژوهش قابل ملاحظه‌ای نیز وجود دارد که نشان می‌دهد یکی از شیوه‌های مدیریت شرم، بواسطه تصدیق^۱ شرم صورت می‌گیرد و این پاسخ، با همدلی قربانی، خشم پایین و عدم سرزنش و ملامت ملازمت دارد (شف و ریتزینگر، ۱۹۹۱؛ هاریس، ۲۰۰۳). به این ترتیب، بریث ویت و بریث ویت (۲۰۰۱) خاطر نشان ساخته‌اند که شرمسازسازی بازپذیرکننده، دست کم به این دلیل که، تصدیق و پذیرش شرم را با احتمال بیشتری در متخلف ایجاد می‌کند، به تخلف و بزهکاری پایین‌تر منجر می‌شود.

1. Acknowledgment

برخی مطالعات روان‌شناختی (تیبت، ۱۹۹۷: ۲۳۵) نیز نشان داده‌اند که انتظار شرم فرد را تشویق می‌کند تا برای پرهیز از تجربه‌های بعدی شرم، رفتار خود را اصلاح نماید. نتایج و یافته‌های تحلیل حاضر حکایت از این دارد که انتظار شرم و به ویژه ارزش‌های اخلاقی، نه تنها در مورد بزهکاری، رابطه مستقل نیرومندی نسبت به سایر نظریه‌های اصلی جرم‌شناختی از جمله نظریه معاشرت افتراقی یا نظریه کنترل اجتماعی نشان می‌دهد، بلکه می‌تواند حلقه اتصال یا پیوند خوبی میان نظریه‌هایی همچون معاشرت افتراقی، کنترل اجتماعی و فشار برقرار سازد.

فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر ارتباط مستقیم و منفی بازپذیری والدین با بزهکاری، از سوی داده‌های تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت و لذا رد گردید. این یافته همسو با نتایج تحقیقات های (۲۰۰۱)، زنگ و زنگ (۲۰۰۴)، تایتل و دیگران (۲۰۰۳)، بوچکوار و دیگران (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۸) و ناهمسو با تحقیقات بنت (۱۹۹۶)، لوسونز و تایسون (۲۰۰۷) بوده است.

فرضیه پنجم تحقیق یعنی ارتباط مستقیم و منفی انگ‌زنی والدین با بزهکاری رد شد که ناهمسو با تحقیقات بنت (۱۹۹۶) و لوسونز و تایسون (۲۰۰۷) بوده است. اما ارتباط غیرمستقیم انگ‌زنی والدین از مسیر همالان بزهکار با بزهکاری، مورد تأیید قرار گرفت. این یافته توسط نظریه شرمسازسازی بریث ویت بدین صورت قابل تبیین است که شرمسازسازی انگ‌زننده، به خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه فریبندگی و جذابیت می‌بخشد؛ زیرا به یک معنا، خرده‌فرهنگ‌هایی هستند که طردکنندگان را طرد می‌کنند. لذا، هر چه شرمسازسازی از سنخ انگ‌زنی باشد، و خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه در جامعه به وفور و دسترس‌پذیر باشد، حاصل کار نرخ بالای جرم خواهد بود (ونتارا، ۲۰۰۶؛ لیگر، ۲۰۰۹: ۷۲).

متغیر به‌هم‌پیوستگی، از نمره ترکیبی بالایی در بین نمونه برخوردار است و این به‌هم‌پیوستگی خانوادگی و انسجام اجتماعی شهر محل انجام تحقیق را (تبریز) نشان می‌دهد. در واقع، کودکان آسیایی طوری جامعه‌پذیر می‌شوند که خانواده را گروه مرجع نهایی ببینند (شن، ۲۰۱۳: ۹۹۸). در خصوص فرضیات هفتم تا دهم، نتایج به‌دست آمده از تحقیق، نشان می‌دهد که فرضیه ارتباط مستقیم و منفی به‌هم‌پیوستگی با بزهکاری تأیید می‌شود که مطابق با نتایج تحقیقات مککای و بریث ویت (۱۹۹۴)، های (۲۰۰۱)، توفی و فارینگتون (۲۰۰۸) و بنت (۱۹۹۶) و ناهمسو با تحقیقات بوده است. فرضیه ارتباط منفی و غیرمستقیم به هم پیوستگی با بزهکاری، از مسیر تاثیرگذاری بر بازپذیری به سبب عدم معناداری رد می‌شود. فرضیه ارتباط منفی و غیرمستقیم به‌هم‌پیوستگی با بزهکاری، از مسیر تاثیرگذاری بر شرمسازسازی رد می‌شود. فرضیه ارتباط منفی و غیرمستقیم به هم پیوستگی با بزهکاری، از مسیر تاثیرگذاری بر انگ‌زنی نیز، به سبب عدم معناداری، رد می‌شود.

همساز با پیش‌بینی‌های نظریه شرمسارسازی بازپذیرکننده، تحلیل مدل‌سازی معادله ساختاری (SEM)، رابطه نیرومندی بین میزان به‌هم‌پیوستگی و استفاده از شرمسارسازی و بازپذیری نشان داده است. به‌هم‌پیوستگی، همچنین اثر قوی و منفی معناداری بر انگ‌زنی نشان می‌دهد. جهت این روابط با انتظارات نظری شرمسارسازی بازپذیرکننده مطابقت داشته است. به طوری که هر چه به هم پیوستگی در خانواده بیشتر باشد، استفاده از شرمسارسازی و بازپذیری بیشتر و استفاده از انگ‌زنی کمتر خواهد بود. این اثر قوی از این ایده حمایت می‌کند که والدینی که روابط نزدیک و صمیمانه‌ای با فرزندان خود دارند، با احتمال زیاد از شرمسارسازی و بازپذیری و به احتمال کم از انگ‌زنی استفاده می‌کنند. از نظر بریث ویت، به‌هم‌پیوستگی تقریباً معادل پیوند اجتماعی، پیوستگی و تعهد در نظریه کنترل است (کالن، ۲۰۱۱: ۲۵۸؛ و نتارا، ۲۰۰۶: ۱۸). در نتیجه، تأیید چنین فرضی، به معنای تأیید نظریه کنترل اجتماعی هیرشی می‌باشد.

جهت ارزیابی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر همالان بزهکار نیز طبق فرضیات یازدهم تا سیزدهم، از مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شده است. پس از اجرای مدل، متغیر همالان بزهکار، اثر مستقیمی را نشان داد و فرضیه ارتباط همالان بزهکار با بزهکاری مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با نتایج حاصل از تحقیق بنت (۱۹۹۶) و لوسونز و تایسون (۲۰۰۷) همساز است. فرضیه دوم و فرضیه سوم مربوط به همالان بزهکار نیز که اثرات غیرمستقیم همالان بزهکار را ارزیابی می‌کند، مورد تأیید واقع شد. این نتیجه با نتایج و یافته‌های حاصل از تحقیقات بنت (۱۹۹۶)، لوسونز و تایسون (۲۰۰۷)، اسونسون (۲۰۱۳)، هارفی (۲۰۰۷) و گراسمیک^۱ (۱۹۹۰) همساز است. داده‌های تحقیق، مطابق با بسیاری از نتایج تحقیقات دیگر (بنت، ۱۹۹۶؛ های، ۲۰۰۱؛ لوسونز، ۲۰۰۷؛ یانوویتکی، ۲۰۰۵؛ گرین، ۲۰۰۹؛ باور، ۲۰۰۸؛ هوانگ، ۲۰۰۶؛ هوچستلر، ۲۰۰۲؛ گو، ۲۰۰۴) و همسو با ادبیات نظری جرم‌شناسی در زمینه تأثیر خرده‌فرهنگ‌های انحرافی یا بزهکاری (شومیکر^۲، ۲۰۱۰: ۱۴۱-۱۶۲؛ کالن، ۲۰۱۱؛ کلینارد^۳ و مییر، ۲۰۰۸؛ ۹۹-۱۰۱؛ براون^۴، ۲۰۱۰: ۲۷۴-۲۸۲)، نشان می‌دهد که متغیر همالان بزهکار، در بین متغیرهای اصلی تحقیق، یکی از مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده و تعیین‌کننده بزهکاری است. این نتیجه، با نظریه معاشرت افتراقی ساترلند (شومیکر، ۲۰۰۹: ۱۱۲) و نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز (براون، ۲۰۱۰: ۲۸۲-۲۸۴؛ کالن، ۲۰۰۶: ۱۳۲-۱۴۵) مطابقت دارد. در واقع، هر چه تجربه عاطفه شرم صیغه اجتماعی داشته باشد، همان قدر

1. Grasmick
2. Shoemaker
3. Clinard
4. Brown

محتمل است که اثر متغیرهای معاشرت افتراقی بر تخلف با میانجی‌گری ادراک از شرمسازاری مورد انتظار موقع تصمیم به انجام تخلف صورت بگیرد (ربلون، ۲۰۱۰: ۹۸۹).

نقد و ارزیابی

یافته‌های این تحقیق، تا حدی از نظریه شرمسازاری بازپذیرکننده حمایت می‌کند، به‌ویژه تأکید این تئوری بر آثار زیان‌بار انگ‌زنی و آثار سودمند شرمسازاری (عمدتاً به طور غیرمستقیم). ولی با این حال، بازپذیری، آن‌گونه که در این نظریه تعریف شده، ممکن است به شیوه‌ای که پیش‌بینی می‌کند (مستقیم و منفی)، تأثیری بر جرم و بزهکاری نداشته باشد. در کل، نتایج این مطالعه، تماماً همسو با ادعای قطعی اعتبار سازه نظریه شرمسازاری بازپذیرکننده نبوده است. با توجه به نتایج به‌دست آمده از این تحقیق و سایر تحقیقات (برای مثال بوچکوار و دیگران، ۲۰۰۸، ۲۰۰۵، تایتل و دیگران، ۲۰۰۳)، به نظر می‌رسد که زنجیره علی پیونددهنده متغیرهای شرمسازاری به بزهکاری یا تخلف، غیرمستقیم و طولانی باشد و در برگیرنده متغیرهای دیگری از جمله انتظار شرم، ارزش‌های اخلاقی، وجدان اخلاقی، فرصت انجام رفتارهای اجتماعی، خودانگاره انحرافی و نظایر آن باشد.

شاید جذاب‌ترین استدلال نظریه شرمسازاری بازپذیرکننده، مربوط به اثرات بالقوه شرمسازاری در ایجاد یا تحریک عواطف اخلاقی درباره ارتکاب جرایم باشد. از آن‌جا که انتظار می‌رفت رابطه تجربه‌های شرمسازاری و احساسات اخلاقی، با متغیر بزهکاری مستقیم و سراسر باشد، یافته‌های تحقیق، به نظر می‌رسد به طور خاص در این خصوص، چالش‌برانگیز باشد. چرا که انتظار شرم، واسطه میان متغیر شرمسازاری و بزهکاری بوده است. در نتیجه، به نظر می‌رسد که متغیرهای دیگری حایل بین این انتظار شرم و بزهکاری قرار دارند که خارج از مدل پیشنهادی شرمسازاری بازپذیرکننده و ادبیات مربوطه قرار دارند.

بریث ویت همراه و همگام با سایر نظریه‌پردازان کنترل، بر اهمیت رفتارها و اقدامات کنترلی نظیر پیوندهای اجتماعی، مجازات و شرمسازاری، صرفاً و یا غالباً در بین گروه‌های مرسوم^۱ تأکید دارد. در حالی که، گروه‌های انحرافی نیز ممکن است، در بین اعضای خود برای ارتکاب جرم و کجروی، احساس شرم نمایند که عملاً با هنجارهای خاص گروهی انطباق دارند (بوچکوار، ۲۰۰۸: ۷۱۶). به نظر می‌رسد این ادعای بریث ویت (۱۹۸۹) که نظریه شرمسازاری بازپذیرکننده، بهتر قادر به تبیین تفاوت‌های جنسیتی انحرافات اجتماعی است، قدری مبالغه‌آمیز باشد. در تحقیق حاضر، سطح بزهکاری دختران، هر چند کمتر از پسران بود، اما دختران، نه به‌هم‌پیوسته‌تر از پسران بودند و نه میزان شرمسازاری در بین دختران و پسران، تفاوت محسوس و

معناداری را نشان داده است. لذا، طبق یافته‌های تحقیق حاضر، دختران حمایتی بیشتری را از این تئوری بعمل نمی‌آورند و تقریباً سطح حمایت یکسانی از نمونه دختران حاصل شده است.

حرکت به فراسوی مفاهیم بازپذیرکننده بریث ویت، حتی فکر و مفاهیم اصلاح‌شده بعدی (بریث ویت و بریث ویت، ۲۰۰۱) به نظر می‌رسد که برای تبیین این موضوع حائز اهمیت باشد که چرا، چگونه و کی مجازات و اشکال شرمسارسازی، به انحراف و بزهکاری کمتر یا بیشتر منجر می‌گردد. مسئله اساسی شاید به‌واقع، تعیین و تشخیص شرایط و زمینه‌هایی باشد که شرمسارسازی بازپذیرکننده در آن‌ها عمل می‌کند. به این ترتیب، شواهد حمایتی اندک و خفیف از نظریه شرمسارسازی، با اینکه ممکن است ناشی از ضعف‌ها و نقیصه‌های روش‌شناختی باشد، ولی ممکن است در عین حال، از نقایص تئوریک نیز نشأت گرفته باشد.

نتایج و یافته‌های تحقیق حکایت از این دارد که فرایندهای شرمسارسازی و نتایج و پی‌آمدهای عاطفی آن، بسیار پیچیده‌اند. این غموض و پیچیدگی، خود را در کاربست نظریه شرمسارسازی بازپذیرکننده در بستر عدالت ترمیمی در حوزه‌های مختلف از جمله خانواده، مدرسه، دادگاه، محله، پلیس، اجتماع و غیره (علیوردی نیا و دیگران، ۱۳۹۳) نیز نشان می‌دهد. در عین حال، نتایج و یافته‌های این تحقیق، می‌تواند دلالت‌های عملی و سیاستی مهمی در حوزه خانواده و مدرسه داشته باشد. امروزه برخی از مدارس در مقیاس جهانی، اصول عدالت ترمیمی را در رابطه با برخورد با دانش‌آموزان معناد، بدون توسل به شاخص‌های تنبیهی و کیفری مانند تعلیق یا اخراج دنبال می‌کنند. (پاینه^۱، ۲۰۱۳: ۳).

اصول عدالت ترمیمی در مدارس راهنمایی و دبیرستان، به مثابه پاسخی به جرم، قلدری و بی‌انضباطی می‌تواند به کار رود و غالباً به‌عنوان بدیلی برای فرایندهای سنتی‌تر تلقی می‌گردد. برخلاف مدارای صفر که بر هم‌شکلی، طرد و اغلب اخراج و تعلیق دست می‌گذارند، رهیافت‌های ترمیمی بر انضباط و امنیت در مدرسه که با وصف «عدم مدارا»^۲ موصوف می‌شود، پافشاری می‌کنند. در برنامه‌های ترمیمی در مدارس بر جبران و ترمیم آسیبی که بر اثر اعمال بدرفتاری، بزهکاری و جرم به‌وجود آمده است، به شدت تأکید می‌رود.

در مجموع، علی‌رغم وجود پاره‌ای ابهامات در خصوص نحوه عملیاتی کردن مفاهیم کلیدی و آزمون بهتر جنبه‌های مثبت دلالت‌های آن، نظریه شرمسارسازی بازپذیرکننده بریث ویت، بی‌چون و چرا در حیطه خانواده، اجتماعات، محلات و بسیاری از دیگر نهادها رواج دارد. بی‌شک این تئوری افق و چشم‌انداز گسترده‌ای در عرصه کنترل‌های غیررسمی اجتماعی پیش رو می‌نهد. در مجموع به نظر

1. Payne

2. No Tolerance

می‌رسد که احساسات و عواطف اخلاقی (علیوردی نیا و حسنی، ۱۳۹۲)، نقش عمده‌ای در شیوه درک و تفسیر و انجام رفتار در قبال توبیخ و عدم تأیید رفتار، در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف، حتی در زمینه‌هایی که احساسات به نظر کم تأثیر می‌رسد (مثل فرار مالیاتی) (مورفی، ۲۰۰۷)، بازی می‌کنند. در هر حال، اگر بنا بر این است که نظریه شرمسازاری بازپذیرکننده، سهمی در شناخت ما از علل جرم و نحوه برخورد با متخلفان داشته باشد، در این صورت مستلزم پالایش بیشتر و تحقیقات سیستماتیک تجربی است.

منابع

- خبرگزاری تحلیلی ایران، <http://www.khabaronline.ir/detail/۲۵۰۱۸/>
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۸)، بزهکاری دانش آموزان و امکان پیشگیری اجتماعی رشدمدار، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال دهم، شماره دوم، صص ۱۲۸-۱۵۸.
- عبداللهی، حمیده (۱۳۸۴)، *چهار صد هزار زندانی نوجوان*، نشریه صاحب قلم.
- علیوردی نیا، اکبر و حمید حیدری (۱۳۹۱)، کاربست تجربی نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز در مطالعه رفتارهای وندالیستی دانش آموزان، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره سیزدهم، شماره ۱ و ۲، صص ۳-۳۰.
- علیوردی نیا، اکبر و محمدرضا حسنی (۱۳۹۲)، نقش عواطف اخلاقی در پیشگیری از بروز جرم، *کارگاه*، سال دوم، شماره ۲۴.
- علیوردی نیا، اکبر و محمدرضا حسنی (۱۳۹۳)، دلالت‌های سیاستی نظریه بریث ویت در مجازات مجرمین، *پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی*، سال هفتم، شماره دوم.
- علیوردی نیا، اکبر و محمدرضا حسنی (۱۳۹۳)، شرمسازاری بازپذیرکننده به مثابه راهبرد فرهنگی در کنترل جرم، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال سوم، شماره دهم، صص ۷-۳۸.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲، <http://www.amar.org.ir>.
- نایی، هوشنگ و حمید عبداللهیان (۱۳۸۱)، تبیین قشربندی اجتماعی، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صص ۲۰۵-۲۳۶.
- Adelson, Jill L. (2012), Examining Relationships And Effects in Gifted Education Research: An Introduction to Structural Equation Modeling, *Gifted Child Quarterly*, vol. 56(1), pp. 47-55.
- Ahmed, E., Harris, N., Braithwaite, J., Braithwaite, V., (2001), Shame Management Through Reintegration, *Cambridge University Press*, Cambridge.
- Ahmed, Eliza & Valerie Braithwaite (2006), Forgiveness, Reconciliation, And Shame: Three Key Variables in Reducing School Bullying, *Journal of Social Issues*, Vol. 62 (2), pp. 347-370.

- Ayatollahi, S. A. , Mohammadpoor, A., & Rajaeifard, A. (2005), Predicting the Three Stages of Smoking Acquisition in the Male Students of Shiraz's High Schools, *Medical Journal of Tabriz University of Medical Science*, vol. 64, pp. 10- 15.
- Bao, Wan-Ning, Ain Haas, Xiaojin Chen And Yijun Pi(2012), Repeated Strains, Social Control, Social Learning, And Delinquency: Testing an Integrated Model of General Strain Theory in China, *Youth & Society*, XX(X), pp. 1 – 23.
- Baver, M. B. & JOHN P. W. & MATT D.(2008), Delinquent Peer Group Formation: Evidence of a Gene ×Environment Correlation, *The Journal of Genetic Psychology*, vol. 169(3), pp. 227–244.
- Bennett, K.J. (1996), A Family Model of Shaming And Delinquency: A Partial Test of Braithwaite's Reintegrative Shaming Theory, *Unpublished Ph.D. dissertation*, Sam Houston State University, Huntsville, TX.
- Botchkovar, E., Tittle, C.R., (2005), Crime, Shame, And Reintegration in Russia, *Theoretical Criminology*, vol. 9, pp. 401–442.
- Botchkovar, Ekaterina & Charles R. Tittle(2008), Delineating the Scope of Reintegrative Shaming Theory: An Explanation of Contingencies Using Russian Data, *Social Science Research*, vol. 37, pp. 703–720.
- Braithwaite J (1989), Crime, Shame And Reintegration. Cambridge: *Cambridge University Press*.
- Braithwaite J (1993), Shame And Modernity, *the british journal of criminology*, Vol. 33 (1), pp. 1-18.
- Braithwaite J And Stephen mugford (1994), Conditions of Successful Reintegration Ceremonies, *the british journal of criminology*, vol. 34(2), pp. 139-171.
- Braithwaite, John & Philip Petti (1994), Comment-Republican Criminology and Victim Advocacy, *Law and Society Review*, vol. 28(4), pp.765-776.
- Braithwaite, John (2000), Shame And Criminal Justice, *Canadian Journal of Criminology*, vol. 42(3), pp. 281-298.
- Braithwaite, John(2002), Restorative Justice & Responsive Regulation, *Oxford University Press*, Inc.
- Braithwaite,J.And Braithwaite ,V .(2001), Shame, Shame Management And Regulation, in Ahmed, E., Harris, N., Braithwaite, J. And Braithwaite , eds, Shame Management through Reintegration, 3 – 69.Cambridge: *Cambridge University Press*.
- Brown, Stephen E. and Finn-Aage ESBENSEN and Gilbert GEIS(2010), *Criminology: Explaining Crime and Its Context*, Seventh Edition.
- Byrne, Barbara M. (2001), *Structural Equation Modeling with AMOS*, Mahwah, NJ: *Lawrence Erlbaum*.
- Chang, Janet And Thao N. Le(2005), The Influence of Parents, Peer Delinquency, And School Attitudes on Academic Achievement in Chinese,

- Cambodian, Laotian or Mien, And Vietnamese Youth, *Crime & Delinquency*, Vol. 51(2), pp. 238-264.
- Chen, Xiaoming(2002), Social Control in China: Applications of the Labeling Theory And the Reintegrative Shaming Theory, *International Journal of Offender Therapy And Comparative Criminology*, vol. 46(1), pp. 45-63.
- Clinard Marshall B.(2008), Sociology of Deviant Behavior, *Thomson Wadsworth*, Printed in the United States of America, Thirteenth Edition.
- Cota-Robles, Sonia & Wendy Gamble (2006), Parent-Adolescent Processes And Reduced Risk for Delinquency: The Effect of Gender for Mexican American Adolescents, *Youth & Society*, Vol. 37(4), pp. 375-392.
- Cretacci, Michael A (2008), A General Test of Self-Control Theory: Has Its Importance Been Exaggerated?, *Criminology Therapy And Comparative International Journal of Offender*, Vol. 52(5), pp. 538-553.
- Cullen, Francis t & Robert agnew (2011), *Criminological Theory Past to Present*, oxford university press, Inc.
- Dollar, Cindy Brooks And Bradley Ray (2013), The Practice of Reintegrative Shaming in Mental Health Court, *Criminal Justice Policy Review*, vol. XX(X), pp. 1-16.
- Erickson, Kristan Glasgow & Robert Crosnoe & Sanford M. Dornbusch (2000), A Social Process Model of Adolescent Deviance: Combining Social Control And Differential Association Perspectives, *Journal of Youth And Adolescence*, Vol. 29(4), pp. 395-425.
- Fagan, Abigail A. & M. Lee Van Horn & Susan Antaramian And J. David Hawkins (2011), How Do Families Matter? Age And Gender Differences in Family Influences on Delinquency And Drug Use, *Youth Violence And Juvenile Justice*, vol. 9(2), pp. 150-170.
- Gadd, David & Tony Jefferson(2006), *Psychosocial Criminology*, Los Angeles. London. New Delhi. Singapore, *Sage Publications*.
- Go, Charles G. And Thao N. Le (2005), Gender Differences in Cambodian Delinquency: The Role of Ethnic Identity, Parental Discipline, And Peer Delinquency, *Crime & Delinquency*, Vol. 51(2), pp. 220-237.
- Grasmick, H. G.& R. J. Bursik & K. A. Kinsey (1991), Shame And Embarrassment as Deterrents to Noncompliance With the Law: The Case of an Antilittering Campaign, *Environment and Behavior*, vol. 23(2), pp. 233-251.
- Green, Amy E. & Ellis L. Gesten & Mark A. Greenwald & Octavio Salcedo (2008), Predicting Delinquency in Adolescence And Young Adulthood A Longitudinal Analysis of Early Risk Factors, *Youth Violence And Juvenile Justice*, vol(6), pp. 323-342.

- Greene, Kathryn & Smita C. Banerjee(2009), Examining Unsupervised Time With Peers And the Role of Association with Delinquent Peers on Adolescent Smoking, *Nicotine & Tobacco Research*, Vol. 11(4), pp. 371–380.
- Gross D.R, capuzzi.D (2000), Defining youth at Risk in capuzzi and Gross (eds) youth at Risk, third edition American counseling Association.
- Hall, Daniel E.(1999), Social Control in The University: Faculty Attitudes About Student Cheating And Student Crime, *Ph.D Dissertation*, College of Education at The University of Central Florida.
- Harris,N. (2001), Reassessing the Dimensionality of the Moral Emotions', *British Journal of Psychology*, 94:457–473.
- Hay, C., (1998), Parental Sanctions And Delinquent Behavior: Toward Clarification of Braithwaite's Theory of Reintegrative Shaming, *Theoretical Criminology*, vol. 2(4), pp. 419-443.
- Hay, C., (2001), An Exploratory Test of Braithwaite's Reintegrative Shaming Theory, *Journal of Research in Crime And Delinquency*, vol. 38, pp. 132–153.
- Hendrix, Gina Marie(2004), A Test of Reintegrative Shaming Theory's Concepts of Interdependence And Expressed Shame in Restorative Justice Conferencing, *dissertation M.S, School of Criminal Justice*, Michigan State University.
- Hochstetler, Andy & Heith Copes & Matt DeLisi(2002), Differential Association in Group And Solo Offending, *Journal of Criminal Justice*, vol. 30, pp. 559–566.
- Hwang, Sunghyun & Ronald L. Akers(2006), Parental And Peer Influences on Adolescent Drug Use in Korea, *Asian Criminology*, vol.1, pp. 51–69.
- Ivancevich, John M. & Robert Konopaske & Jacqueline A. Gilbert (2008), Formally Shaming White-Collar Criminals, *Business Horizons*, vol. 51, pp. 401- 410.
- Kao, Da-Yu & Frank Fu-Yuan Huang & Shih-Jeng Wang(2009), Persistence And Desistance: Examining the Impact of Re-integrative Shaming to Ethics in Taiwan Juvenile Hackers, *computer law & security review*, vol. 25, pp. 464 – 476.
- Karp, David R And Beau Breslin (2001), Restorative Justice in School Communities, *Youth & Society*, vol. 33(2), pp. 249-272.
- Kelishadi, Roya & Gelayol Ardalan & Riaz Gheiratm And & Reza Majdzadeh & Alireza Delavari Ramin Heshmat & Mohammad Reza Mokhtari & Emran Mohammad Razaghi (2006), Smoking Behavior And Its Influencing Factors in a National Representative Sample of Iranian Adolescents, *Preventive Medicine*, vol. 42, pp. 423- 426.
- Kim, Hee Joo And Jurg Gerber (2011), The Effectiveness of Reintegrative Shaming And Restorative Justice Conferences: Focusing on Juvenile Offenders' Perceptions in Australian Reintegrative Shaming Experiments,

- Criminology Therapy And Comparative International Journal of Offender*, vol. 56(7), pp. 1063–1079.
- Le, Thao N. & Golnoush Monfared And Gary D. Stockdale (2005), The Relationship of School, Parent, And Peer Contextual Factors with Self-Reported Delinquency for Chinese, Cambodian, Laotian or Mien, And Vietnamese Youth, *Crime & Delinquency*, Vol. 51(2), pp. 192-219.
- Léger, André (2009), Restoration or Retribution: An Empirical Examination of The Recidivistic Patterns of a Group of Young Offenders From New York City, *M.A Dissertations*, Queen's University, Kingston, Ontario, Canada.
- Lei, Pui-Wa; Wu, Qiong (2007), Introduction to Structural Equation Modeling: Issues And Practical Considerations, *Educational Measurement: Issues And Practice*, vol. 26(3), pp. 33-43.
- Leiber, Michael J. & Kristin Y. Mack And Richard A. Featherstone (2009), Family Structure, Family Processes, Economic Factors, And Delinquency: Similarities And Differences by Race And Ethnicity, *Youth Violence And Juvenile Justice*, vol. 7(2), pp. 79-99.
- Longshore, Douglas & Eunice Chang & Shih-chao Hsieh & Nena Messina(2004), Self-Control And Social Bonds: A Combined Control Perspective on Deviance, *Crime And delinquency*, vol. 50(4), pp. 452-564.
- Losoncz, I., & Tyson, G. (2007), Parental Shaming And Adolescent Delinquency: A Partial Test of Reintegrative Shaming Theory, *The Australian And New Zealand Journal of Criminology*, vol. 40, pp. 161-178.
- Lu, H., Zhang, L., Miethe, T., (2002), Interdependency, Communitarianism, And Reintegrative Shaming in China, *The Social Science Journal*, vol. 39, pp. 189–201.
- Makkai, T., Braithwaite, J., (1994), Reintegrative Shaming And Compliance with Regulatory Standards, *Criminology*, vol. 32, pp. 361–383.
- Meehan , Jeffrey C. and Gregory L. Stuart (2007), Using Structural Equation Modeling With Forensic Samples, *Criminal Justice and Behavior*, Vol. 34(12), PP. 1560-1587.
- Miethe, Terrance D.&Hong Lu&Erin Reese (2000), Reintegrative Shaming And Recidivism Risks in Drug Court: Explanations for Some Unexpected Findings, *Crime & Delinquency*, vol. 46(4), pp. 522-541.
- Miller, Noah Patrick (2009), Community Tolerance of Community-Based Reparative Boards in Vermont: A Closer Look at Community Members Tolerance of Offense Types, *dissertation M.A*, Faculty of the Graduate School of the University of Maryland.
- Moon, Byongook & BlurtonAnd ,David & McCluskey, D. John (2008), General Strain Theory And Delinquency: Focusing on the Influences of Key Strain Characteristics on Delinquency General Strain Theory And Delinquency: Focusing on the Influences, *Crime & Delinquency*, Vol. 54(2), pp. 582-613.

- Muftic, Lisa R.(2006), Advancing Institutional Anomie Theory: A Microlevel Examination Connecting Culture, Institutions, And Deviance, *International Journal of Offender Therapy And Comparative Criminology*, Vol. 50(6), pp. 630-653.
- Murphy, Kristina & Nathan Harris(2007), Shaming, Shame and Recidivism: A Test of Reintegrative Shaming Theory in the White-Collar Crime Context, *British Journal of Criminology*, vol. 47, pp. 900-917.
- Outhwaite, William And Tom Bottomore (1993), *The Blackwell Dictionary of Twentieth-Century Social Thought*, Blackwell Publisher. Cambridge, Massachusetts, USA.
- Payne, Allison Ann and Kelly Welch(2013), Restorative Justice in Schools : The Influence of Race on Restorative Discipline, *Youth & Society*, vol. XX(X), PP. 1–26.
- Poorasl, Asghar Mohammad, Rezagholi Vahidi, Ali Fakhari, Fatemeh Rostami, Saeed Dastghiri(2007), Substance abuse in Iranian high school students, *Addictive Behaviors*, Vol. 32, pp. 622-627.
- Rebellon, Cesar J. & Nicole Leeper Piquero & Alex R. Piquero & Stephen G. Tibbetts(2010), Anticipated shaming and criminal offending, *Journal of Criminal Justice*, vol. 38, pp. 988–997.
- Russell, Steven(1998), Reintegrative Shaming And the 'Frozen Antithesis': Braithwaite And Elias, *Journal of Sociology*, vol. 34(3), pp. 302-313.
- Sakiyama, Mari(2008), Reintegrative Shaming And Juvenile Delinquency in Japan, *dissertaion MA*, Bachelor of Arts University of Nevada, Las Vegas.
- Schaible, Lonnie M. & Lorine A. Hughes(2011), Crime, Shame, Reintegration, And Cross-National Homicide: A Partial Test of Reintegrative Shaming Theory, *The Sociological Quarterly*, vol. 52, pp. 104–131.
- Scheff, T. J. (1990), A New Durkheim, *American Journal of Sociology*, vol. 96(3), pp. 741-746.
- Scheff, T., Retzinger, S.M., (2000), Shame as The Master Emotion of Everyday Life, *Journal of Mundane Behaviour*, vol. 1, pp. 1–18.
- Scheff, T. J. and Retzinger, S. M. (1991), *Emotions and Violence: Shame and Rage in Destructive Conflicts*. Lexington, MA: *Lexington Books/D.C. Heath and Company*.
- Scheurman, Heather L. & Shelley Keith Matthews (2012), The Importance of Perceptions in Restorative Justice Conferences: The Influence of Offender Personality Traits on Procedural Justice And Shaming, *Justice Quarterly*, vol. 1, pp.1-30.
- Shen, Yuh-Ling & Gustavo Carlo and George P. Knight (2013), Relations Between Parental Discipline, Empathy-Related Traits, and Prosocial Moral Reasoning: A Multicultural Examination, *The Journal of Early Adolescence*, vol. 33(7), pp. 994–1021.

- Shoemaker, Donald J.(2009), *Juvenile Delinquency*, United States of America, Rowman & Littlefield Publishers, Inc.
- Shoemaker, Donald J.(2010), *Theories of Delinquency:An Examination of Explanations of Delinquent Behavior*, Published by Oxford University Press, Inc.
- Svensson, Robert & Frank M. Weerman & Lieven J.R. Pauwels & Gerben J.N. Bruinsma And Wim Bernasco (2013), Moral Emotions And Offending: Do Feelings of Anticipated Shame And Guilt Mediate the Effect of Socialization on Offending?, *European Journal of Criminology*, vol. 10(1), pp. 22 –39.
- Tibbetts, S. G., & Myers, D. L. (1999), Low Self-Control, Rational Choice, And Student Test Cheating, *American Journal of Criminal Justice*, vol. 23, pp. 179–200.
- Tittle, C.R., Bratton, J., Gertz, M.G., (2003), A Test of a Micro-Level Application of Shaming Theory, *Social Problems*, vol. 50, pp. 592–617.
- Tosouni, Anastasia (2004), Reintegrative Shaming Among Youthful Offenders: Testing the Theory Through a Secondary Data Analysis, *dissertaion MS*, Department of Criminal Justice, California State University.
- Ttofi, Maria M. & David P. Farrington (2008), Reintegrative Shaming Theory, Moral Emotions And Bullying, *aggressive behavior*, Vol. 34, pp. 352–368.
- Tyler, Tom R., Lawrence W. Sherman, Heather Strang, Geoffrey C. Barnes, And Daniel J. Woods. (2007), Reintegrative Shaming, Procedural Justice, And Recidivism: The Engagement of Offenders' Psychological Mechanisms in the Canberra RISE Drinking-And-Driving Experiment, *Law & Society Review*, vol. 4, pp. 553-585.
- Ventura,Holly Elizabeth (2006), Restorative Justice And Youth Courts: An Examination of Implementation Intensity, Recidivism, And Accountability, *Ph.DDissertations*, Master of Criminal Justice, University of South Carolina.
- Vieira, Armando Luis (2011), Interactive LISREL in Practice: Getting Started with a SIMPLIS Approach, *Springer Heidelberg Dordrecht London New York*.
- Yanovitzky, Itzhak(2005), Sensation Seeking And Adolescent Drug Use: The Mediating Role of Association With Deviant Peers And Pro-Drug Discussions, *Health Communication*, vol. 17(1), pp. 67–89.
- Zhang, L., Zhang, S., (2004), Reintegrative Shaming And Predatory Delinquency, *Journal of Research in Crime And Delinquency*, vol. 41, pp. 433–453.

پیوست

جدول پیوست ۱. ابعاد و گویه‌های متغیر به هم پیوستگی خانوادگی

متغیر	ابعاد	گویه
توجه والدین به نوجوان	پیوستگی با والدین	برایم داشتن روابط خوب و صمیمانه با والدینم، بسیار مهم است. والدینم را بسیار دوست دارم.
	ادارک نوجوانان از احساس دل بستگی والدین	احساس می‌کنم والدینم، بیشتر اوقات با من قهرند و علاقه‌ای به من ندارند. والدینم سعی می‌کنند مشکلات و نگرانی‌هایم را درک کنند.
	ارتباطات والدین-نوجوان	اغلب اوقات افکار و احساساتم را به راحتی با والدینم در میان می‌گذارم. من از روابط خود با والدینم رضایت دارم.
	احترام به والدین	نسبت به والدینم، احترام زیادی قائلم. در بیشتر کارها و تصمیمات خود، نظر والدینم را جویا می‌شوم.

جدول پیوست ۲. گویه‌های متغیر شرمسازسازی

متغیر	گویه‌ها
شرمسازی	بی تفاوت بوده و هیچ واکنشی در برابر آن انجام نمی‌دهند.
	تذکر داده و ناراحتی خود را از آنچه انجام داده‌ام نشان می‌دهند.
	به شیوه‌های مختلف با من برخورد کرده و مجازاتم می‌کنند.
	من را توجیه می‌کنند و توضیح می‌دهند که رفتارم درست نیست.
	مرا به خاطر خلاقی که انجام داده‌ام، مورد حمایت و تشویق قرار می‌دهند.
	طوری رفتار می‌کنند که من از انجام خلاف خود احساس شرمندگی و پشیمانی کنم.

جدول پیوست ۳. ابعاد و گویه‌های متغیر بازپذیری

متغیر	معرف	گویه‌ها
بازپذیری	برخورد محترمانه	با احترام با من برخورد می‌کنند به گونه‌ای که احساس می‌کنم هنوز هم به من اعتماد دارند.
	صحبت و گفتگو در فضای تأییدآمیز	به گونه‌ای رفتار می‌کنند که احساس می‌کنم هنوز مراقب و مواظب من هستند.
		در مورد خلاقی که انجام داده‌ام، صمیمانه با من صحبت می‌کنند.
	واکنش به رفتار و نه شخصیت	اگر رفتار شایسته‌ای انجام دهم، در حضور دیگران تعریف می‌کنند.
		حتی از دست من عصبانی هم باشند، باز به چشم یک انسان خوب به من نگاه می‌کنند.
	بخشش و گذشت	وقتی هم که مرا را تنبیه می‌کنند، باز به چشم یک انسان خوب به من نگاه می‌کنند. اگر کار خلاقی از من سر بزند، بعد از مدتی مرا می‌بخشند.

جدول پیوست ۴. گویه‌های متغیر انگ زنی

متغیر	گویه‌ها
انگ‌زنی	با من قهر کرده و مرا از منزل بیرون می‌کنند.
	آنقدر پیش فامیل بد مرا می‌گویند که نمی‌توانم جلوی آنها سر بلند کنم.
	در مورد شخصت من منفی و بد قضاوت می‌کنند.
	به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی من انسان بدی هستم.
	به من می‌گویند که مایهٔ رسوایی و آبروریزی خانواده هستم.
	مرا با لقب‌هایی همچون مجرم، خلافکار، ولگرد، اشغال، شرور و غیره صدا می‌زنند.

جدول پیوست ۵. گویه‌های متغیر انتظار شرم

متغیر	گویه
انتظار شرم	اگر موقع برداشتن وسیله‌ای از مغازه گیر بیفتم و والدینم مطلع شوند، شرمسار می‌شوم.
	اگر هنگام تقلب در امتحانات گیر بیفتم و والدینم باخبر شوند، احساس شرم می‌کنم.
	اگر دانش‌آموزی را اذیت کنم و والدینم مطلع شوند، شرمسار می‌شوم.
	اگر به اموال یا ماشین کسی آسیب بزنم و والدینم اطلاع یابند، احساس شرمساری می‌کنم.
	اگر سیگار یا مواد مصرف کنم و والدینم مطلع شوند، از خجالت نمی‌توانم سرم را بالا بگیرم.

جدول پیوست ۶. معرف‌ها و گویه‌های متغیر پایبندی به ارزشهای اخلاقی

متغیر	معرف	گویه‌ها
پایبندی به ارزش‌های اخلاقی	تقلب امتحانی	تقلب در جلسه امتحان، هیچ اشکالی ندارد.
	تمسخر	مسخره کردن، شایعه‌پراکنی و اذیت و آزار دانش‌آموزان، رفتار پسندیده‌ای است.
	مصرف سیگار و الکل	مصرف سیگار یا مشروبات الکلی، جزو کارهای خوب و پسندیده است.
	دزدی کردن	برداشتن اشیاء و لوازم همکلاسی‌ها، زشت و غیراخلاقی است.
	وندالیسم	نوشتن و نقاشی روی در و دیوار یا میز و صندلی مدرسه، کار درستی است.
	مصرف مواد	مصرف مواد مخدر یا الکل، بسیار کار خوبی است.
	دیدن فیلم‌های غیرمجاز	تماشای فیلم‌های غیرمجاز، کاری زشت و غیراخلاقی است.